

در راستای برنامه دولت برای حمایت از معیشت مردم و مهار تورم

کالابرگ هیچ خانواری حذف نمی‌شود

سخنگوی دولت: در بازه یک ماهه، استفاده از «سی‌ان‌جی» ۱۲ درصد افزایش و مصرف بنزین ۷ درصد کاهش یافته است

۲

در یک پیمایش ملی
پیامدهای اقتصادی قطع اینترنت بررسی شد

رفع فیلترینگ اولویت کاربران



۶

وقتی صحنه خاموش می‌شود، کلمه می‌ماند

۱۲

یادداشت اختصاصی مسعود فروتن درباره نمایش کوروش

رئیس بخش عفونی بیمارستان امام خمینی (ره) در گفت‌وگو
با «ایران» به ضرورت استفاده از ماسک تأکید کرد

کرونا، مسری اما خفیف‌تر از همیشه

۱۱

صفحات اینترنتی روزنامه ایران را بخوانید

«ایران» به بهانه مدال آوری زنان ورزشکار ایران در «تاگويا» بررسی می‌کند

ورزش بانوان؛ از حمایت دولت تا تاریخ‌سازی در میدان رقابت

۱۶

مدیر جهاد کشاورزی از پیش‌بینی برداشت
۲۴ هزار تن گردو از باغات خرداد
**افزایش ۲۰ درصدی
برداشت گردو در توپسرکان**



طرح رایگان‌سازی شارژ خودروهای برقی
تا پایان سال ۱۴۰۵ اعتبار دارد
**ترغیب مردم به استفاده از
خودروی برقی در کیش**



گزیده «فرج بعد از شدت» در کتاب «صور مثل پدر
زمستان» به انتخاب و مقدمه شمس لنگرودی
**راوی سرگذشت
مردم معمولی**



پزشکیان در پیامی به مناسبت روز جهانی استاندارد:

مردم حق دارند از سلامت و کیفیت کالاها و خدمات مطمئن باشند

ارتقای کیفیت تجهیزات و خدمات، مدیریت مصرف انرژی، توسعه انرژی‌های پاک و حفظ منابع ملی مؤثر دانست و این رویکرد را مسئولیتی مشترک برای دولت، تولیدکنندگان و شهروندان برشمرد. پزشکیان همچنین از سازمان ملی استاندارد خواست با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تخصصی کشور، تقویت هماهنگی میان دستگاه‌ها و توسعه نظارت‌های دقیق و اثربخش، در مسیر تحقق عدالت، ارتقای کیفیت، رعایت حقوق مردم و بهبود مستمر عملکردها گام بردارد و با تدوین و اجرای برنامه‌های روشن و قابل سنجش، دستیابی به نتایج ملموس و پایدار را دنبال کند. وی در پایان، با تبریک هفته و روز جهانی استاندارد به تلاشگران این عرصه، بر ضرورت گسترش فرهنگ استاندارد در همه شئون زندگی تأکید و ابراز امیدواری کرد که با ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری محصولات ایرانی، جایگاه کشور در بازارهای جهانی تقویت شود.

رئیس جمهوری با تأکید بر حقوق مصرف‌کنندگان و مسئولیت تولیدکنندگان خاطرنشان کرد: «مردم حق دارند از سلامت، ایمنی و کیفیت کالاها و خدماتی که دریافت می‌کنند، اطمینان داشته باشند و تولیدکنندگان نیز باید از ضوابطی شفاف، منصفانه و قابل اتکا برخوردار باشند.» پزشکیان نظارت دقیق، ارزیابی مستمر و اجرای فراگیر استانداردها را از عوامل ارتقای کیفیت محصولات ایرانی و افزایش رقابت‌پذیری آنها دانست و تأکید کرد که رعایت این اصول می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد و به تقویت جایگاه ایران در بازارهای جهانی کمک کند.

وی همچنین با اشاره به ریشه برخی ناترازی‌ها و ناکارآمدی‌ها در رعایت نشدن تناسب‌ها، نبود معیارهای روشن و الگوهای صحیح مصرف و تخصیص منابع، بر ضرورت اصلاح شیوه‌های تصمیم‌گیری، مصرف بهینه، کاهش اتلاف و افزایش بهره‌وری تأکید کرد.

رئیس جمهوری استانداردهای دقیق و کارآمد را در

رئیس جمهوری با تأکید بر نقش راهبردی استاندارد در تحقق عدالت اجتماعی، صیانت از حقوق مردم و ارتقای کیفیت زندگی، استانداردسازی را ضرورتی اساسی برای تقویت اعتماد عمومی، افزایش بهره‌وری، حمایت از تولید داخلی و دستیابی به پیشرفت پایدار دانست. مسعود پزشکیان در پیامی به مناسبت هفته و روز جهانی استاندارد، با اشاره به اهمیت رعایت معیارهای علمی، روشن و عادلانه در عرصه‌های مختلف زندگی، استاندارد را یکی از پایه‌های تحقق عدالت اجتماعی، رعایت حقوق مردم و تقویت اعتماد عمومی عنوان کرد.

وی در این پیام با بیان اینکه استاندارد تنها به ضوابط فنی تولید و سنجش کیفیت کالاها محدود نمی‌شود، تصریح کرد: «استاندارد مفهومی فراگیر است که تنظیم روابط اجتماعی، ارتقای کیفیت خدمات، صیانت از سلامت و ایمنی مردم، افزایش کارآمدی و استفاده عادلانه از منابع کشور را نیز در بر می‌گیرد.»

رئیس سازمان انرژی اتمی:

ایران در فناوری هسته‌ای هم‌تراز کشورهای توسعه‌یافته است

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی با تأکید بر توانمندی‌های علمی و فناورانه ایران، مخالفت با برخورداری کشور از فناوری هسته‌ای را نافی واقعیت پیشرفت‌های علمی ایران دانست و از بومی‌سازی تجهیزات راهبردی مورد نیاز صنایع کشور خبر داد.

محمد اسلامی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در آیین گرامیداشت روز ملی استاندارد با اشاره به ظرفیت‌های علمی، فکری و مدیریتی کشور و توانمندی جوانان ایرانی گفت: «ما در علوم و فنون هسته‌ای هم‌تراز با کشورهای توسعه‌یافته قرار داریم و این یک واقعیت است. مخالفت و نپذیرفتن برخورداری ایران از فناوری هسته‌ای، واقعیت توان علمی کشور را تغییر نمی‌دهد.»

وی با بیان اینکه ملت ایران شایسته دستیابی به جایگاه اول علم و فناوری است، اظهار کرد: «در طول تاریخ، علم و فناوری از این سرزمین برخاسته و توان تفکر، خلاقیت و ظرفیت مدیریتی ایرانیان، ظرفیتی بی‌انتهاست.»

رئیس سازمان انرژی اتمی با تأکید بر اینکه ایران اقدام خلاقانه انجام نداده است، افزود: «اگر موضوع مبم هسته‌ای را مطرح نکنند، حرف دیگری برای گفتن نخواهند داشت.»

اسلامی همچنین با اشاره به نقش مدیریت در شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های کشور تصریح کرد: «وظیفه مدیریت، فراهم‌سازی زمینه، تسهیلگری، حمایت، هدایت و پشتیبانی از استعدادها و فرآیندهاست تا ظرفیت‌های موجود شکوفا شوند و نتایج حاصل از آنها در خدمت ملت ایران قرار گیرد.»

ویدئوپروژکتور مجهز شده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد.

۴۹۹ پروژه جدید مدرسه‌سازی در آذربایجان شرقی

در ادامه این نشست، بهرام سرمست، استاندار آذربایجان شرقی، با اشاره به تعریف پروژه‌های جدید مدرسه‌سازی در چارچوب نهضت توسعه عدالت آموزشی خبر داد و گفت: «در فاز نخست این طرح، ۲۹۷ پروژه شامل یک‌هزار و ۳۳۷ کلاس درس با زیربنای ۱۴۱ هزار و ۱۰۲ مترمربع تعریف شده که پیشرفت فیزیکی آنها به ۹۰۴ درصد رسیده است.»

وی گفته وی، در فاز دوم و با پیگیری‌های رئیس جمهوری و استاندار، ۴۹۹ پروژه شامل ۲ هزار و ۹۳۰ کلاس درس تعریف شده است. گروه‌های مردمی نیز برای اجرای این طرح‌ها شکل گرفته‌اند و عملیات اجرایی پروژه‌های مرحله دوم از امسال آغاز شده و تاکنون به پیشرفت فیزیکی ۱۵ درصدی رسیده است.

معیشت معلمان و ضرورت تحول در شیوه‌های تدریس

بخش دیگری از برنامه‌های سفر قائم‌پناه به بررسی مطالبات فرهنگیان و دانش‌آموزان اختصاص داشت؛ نشستی که در آن نمایندگان معلمان، دانش‌آموزان و فعالان مردمی حوزه مدرسه‌سازی، دیدگاه‌ها و پیشنهادها را مطرح کردند. احمدیان، نماینده معلمان آذربایجان شرقی، با اشاره به توجه دولت چهاردهم به نهضت توسعه عدالت آموزشی گفت: «نگاه هم‌زمان به مدرسه‌سازی و ارتقای کیفیت آموزش، امید را در میان معلمان و دانش‌آموزان تقویت کرده است.» وی با یادآوری فعالیت فرهنگیان در شرایط جنگی و تعطیلی برخی کلاس‌های حضوری، اظهار کرد: «معلمان اجازه نداشتند روند تعلیم و تربیت متوقف شود و با استفاده از ظرفیت حسنییه‌ها، پارک‌ها و منازل دانش‌آموزان، آموزش و رفع اشکال درسی را ادامه دادند.»

احمدیان سه مطالبه اصلی فرهنگیان استان را برشمرد: «قرار گرفتن معلم در مرکز تحولات آموزش و پرورش و توجه جدی به منزلت اجتماعی، معیشت، انگیزه و نقش فرهنگیان در تصمیم‌سازی‌های آموزشی؛ تجهیز و آماده‌سازی مدارس متناسب با نیازهای نسل جدید و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت مشارکت مردم

گروه سیاسی - محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی رئیس‌جمهور، روز سه‌شنبه ۲۱ مهرماه در جریان سفر استانی دولت به آذربایجان شرقی، با حضور در جلسه توسعه عدالت آموزشی با مشارکت مردم در استانداری تبریز، بر ضرورت توجه به آموزش و پرورش به‌عنوان زیربنای توسعه کشور تأکید کرد. این سفر در چارچوب بیست‌و‌دومین دور سفرهای استانی دولت وفا بر گزار می‌شود و آذربایجان شرقی به مدت سه روز میزبان هیأت دولت خواهد بود.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، خود اهل تبریز است و علاقه ویژه‌ای به این شهر دارد، توضیح داد که قرار بود رئیس‌جمهوری در این سفر حضور پیدا کند، اما به دلیل پیش رو بودن سفر خارجی وی، این مأموریت را برعهده گرفته است.

آموزش؛ زیربنای توسعه و قدرت ملی

قائم‌پناه با اشاره به اولویت آموزش در دولت چهاردهم، تأکید کرد توجه به آموزش و عدالت آموزشی از دغدغه‌های اصلی رئیس‌جمهوری است و توسعه کشور در ابعاد مختلف، بدون سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. وی سرمایه انسانی، نیروی کارآمد و دانا، دانش‌آموزان و دانشجویان را پایه توسعه هر کشور دانست و اظهار کرد: «اداره امور کشور بر اساس عقایدت و خردمندی، به تربیت نسلی آگاه و توانمند وابسته است.»

قائم‌پناه با اشاره به تأکید رئیس‌جمهوری بر ضرورت برتر بودن ایران در عرصه‌های مختلف، گفت: «برای دستیابی به چنین جایگاهی، فرزندان این سرزمین باید عالم، آگاه و برخوردار از فضیلت‌های انسانی باشند.»

وی در ادامه، عدالت آموزشی را لازمه تحقق این هدف توصیف کرد و گفت: «مدرسه مناسب و باکیفیت باید در همه نقاط کشور، به‌ویژه مناطق محروم و کم‌برخوردار، توسعه یابد.» قائم‌پناه با اشاره به باور رئیس‌جمهوری به عدالت آموزشی، اظهار کرد: «همان‌طور که خداوند عادل است، حکومت نیز باید عدالت را در رأس سیاست‌های آموزشی قرار دهد تا امکان برخورداری از فرصت‌های برابر برای همه مردم فراهم شود.»

تجهیز مدارس به فناوری‌های نوین

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با اشاره به اقدامات دولت چهاردهم در حوزه توسعه زیرساخت‌های آموزشی، از ساخت ۱۴ هزار کلاس درس طی دو سال فعالیت دولت خبر داد و بر ضرورت تغییر ابزارها و روش‌های آموزش متناسب با نیازهای امروز تأکید کرد. به گفته قائم‌پناه، بیش از ۱۱ هزار کلاس درس در کشور به تخته هوشمند و



نسل جوان در خط مقدم توسعه فناوری هسته‌ای

رئیس سازمان انرژی اتمی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش جوانان در دستیابی به دستاوردهای علمی و فناورانه کشور گفت: «میانگین سنی همکارانی که در حوزه‌های مختلف علمی و فناورانه به این دستاوردها دست یافته‌اند، حدود ۳۵ سال است.» وی این موضوع را بیانگر بهره‌گیری از ظرفیت جوانان کشور و فراهم شدن فرصتی ارزشمند برای مشارکت آنان در پیشرفت علمی و فناورانه ایران دانست و بر ضرورت تداوم مسیر توسعه فناوری‌ها تأکید کرد.

اسلامی در پایان افزود: «دستاوردهای علمی و فناورانه باید با اتکا به ساختارها و سازوکارهای مناسب، به صورت مستمر به‌روزرسانی شوند تا زمینه استمرار پیشرفت و ارتقای توانمندی‌های کشور فراهم شود.»

خبر

قالیباف در نشست مشترک اقتصادی دولت و مجلس:

مهم‌ترین اولویت، معیشت مردم و نیروهای مسلح است

نشست مشترک جمعی از وزرا و مسئولان ارشد اقتصادی دولت و رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی با موضوع بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

در این نشست وزرا و مسئولان دولتی و رؤسای کمیسیون‌ها و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس درباره موضوعات مختلف از جمله طرح کالبرگ، تأمین معیشت مردم و نیروهای مسلح، وضعیت تولیدات کشاورزی و دامی، تأمین نهاده‌های تولید، رشد سرمایه‌گذاری و اقتصاد، جبران خسارات جنگ و سایر مسائل مرتبط با حوزه‌های مسئولیتی خود بحث و تبادل نظر کردند.

رئیس مجلس شورای اسلامی هم در سخنانی با تأکید بر ضرورت هماهنگی و همفکری دولت و مجلس در مدیریت شرایط اقتصادی کشور، گفت: «ارزاییی دقیق وضعیت موجود و ترسیم سناریوهای پیش‌روی می‌تواند زمینه تصمیم‌گیری مؤثرتر برای بهبود معیشت مردم و مدیریت چالش‌های اقتصادی در نیمه دوم سال را فراهم کند.» رئیس مجلس شورای اسلامی در این جلسه با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری فهم مشترک میان دولت و مجلس درباره شرایط اقتصادی کشور، گفت: «مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم، ضرورت همفکری و داشتن فهم مشترک از وضعیت موجود و شرایط پیش رو است.» وی افزود: «۶۰ ماه نخست سال را پشت سر گذاشته‌ایم و اکنون تجربه‌ای از این دوره در اختیار داریم؛ بر همین اساس، باید با ارزیابی دقیق اتفاقات گذشته، برای شنش ماه آینده برنامه‌ریزی کنیم.»

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه باید مشخص کنیم که سناریوی پیش‌روی ۶ ماه آینده چیست و اگر در این خصوص اتفاق نظر داشته باشیم می‌توانیم طراحی بهتری برای آن داشته باشیم، گفت: «در کنار موضوعاتی مانند جبران خسارت‌ها، تأمین مواد اولیه و مسائل بخش صنعت، ارتقای سطح معیشت مردم و نیروهای مسلح دو اولویت مهم هستند که باید با جدیت مورد توجه قرار گیرند.»

قالیباف با بیان اینکه در حال حاضر مهم‌ترین اولویت در همه تصمیم‌گیری‌ها، معیشت مردم و نیروهای مسلح است، گفت: «باید کاری کنیم که معیشت مردم آخرین جایی باشد که از فشار جنگ و تحریم آسیب می‌بیند و اولین رکن مثبت تصمیمات نیروی سفره مردم باشد. این نگاه باید در رشد اقتصادی، بازسازی و تأمین نقدینگی بخش صنعت هم وجود داشته باشد.»

سخنگوی دولت با اعلام افزایش مبلغ کالبرگ برای خانواده‌های نیازمند:

کالبرگ هیچ خانواری حذف نمی‌شود

در بازه یک ماهه، استفاده از«سی ان جی» ۱۲ درصد افزایش و مصرف بنزین ۷ درصد کاهش یافته است

دولت
گروه سیاسی

سخنگوی دولت در نشست خبری این هفته در سازمان امور مالیاتی کشور، با تشریح برنامه‌های دولت برای حمایت از معیشت خانوارها، مهار افزایش قیمت کالاهای اساسی و مدیریت مصرف انرژی، از ادامه اجرای طرح کالبرگ و بررسی افزایش اعتبار آن برای گروه‌های نیازمند خبر داد. فاطمه مهاجرانی با اشاره به محدودیت منابع مالی دولت توضیح داد که افزایش اعتبار کالبرگ در مرحله اول با اولویت خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و خانوارهای واجد شرایط مشابه انجام می‌شود. به گفته مهاجرانی، خانوار سه‌نفره‌ای که درآمد ماهانه آن کمتر از ۲۰ میلیون تومان باشد و فاقد خودرو و منزل مسکونی شخصی باشد، از جمله گروه‌های مورد توجه در این مرحله هستند. وی همچنین تأکید کرد که اعتبار یک‌میلیون تومانی کالبرگ همچنان برقرار است و در این مرحله از آن کاسته نشده. بااینکه تاکنون کسی به دلیل اجرای این مرحله از طرح حذف نشده است. او تأمین منابع مالی پایدار و به حداقل رساندن آثار تومی را دو ملاحظه اصلی دولت در بازنگری اعتبار کالبرگ دانست و گفت سازمان برنامه و بودجه با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این موضوع را بررسی کرده‌اند.

اولویت حمایت‌از معیشت مردم ومهار تورم
مهاجرانی در تشریح فرآیند بهره‌مندی از افزایش اعتبار کالبرگ، با اشاره به مشکلات برخی افراد برای ورود به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، توضیح داد که ثبت اطلاعات باید از سوی سرپرست خانوار انجام شود و سایر اعضای خانواده نیازی به ورود جداگانه به سامانه ندارند. پس از ثبت اطلاعات، داده‌ها ارزیابی و تطبیق داده می‌شوند و در صورت احراز شرایط و استحقاق، اعتبار افزایش یافته به افراد واجد

شرایط اختصاص خواهد یافت. به گفته او، خوداظهاری در این فرآیند اهمیت دارد و متقاضیان باید صحت اطلاعات اعلام‌شده را تأیید کنند؛ در صورت مشخص شدن نادرستی اطلاعات، مبالغ پرداخت‌شده مطابق ضوابط قابل بازپس‌گیری خواهد بود. سخنگوی دولت در بخش دیگری از این نشست، از طراحی بسته‌های ویژه برای مهار افزایش قیمت کالاهای اساسی خبر داد و گفت این بسته با مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و حمایتی دنبال می‌شود. بازآرایی نظام مالیاتی، انضباط مالی، کنترل نرخ تأمین منابع بودجه، کنترل کسری‌های تورم‌زا و حمایت از تولید، از محورهای اصلی این برنامه است.

سهیل نیازمند گفت این موضوع در برنامه دولت مدیریت تازاری انرژی و حمایت از معیشت مردم نیز از دیگر محورهایی است که مهاجرانی بر آنها تأکید کرد. به گفته او، بسته سیاستی دولت در سه سطح اقتصاد کلان، بنگاه‌های اقتصادی و خانوار تدوین شده تا با مدیریت شرایط دشوار اقتصادی، فشار افزایش قیمت‌ها بر سفره مردم به حداقل برسد.

او با تأکید بر ضرورت حمایت از تولید توضیح داد که دولت در حوزه انرژی نیز تلاش می‌کند چرخ تولید متوقف نشود. چراکه کاهش اشتغال می‌تواند به افزایش بیکاری و شکل‌گیری چرخه فقر و آسیب‌های اجتماعی منجر شود. در همین

چارچوب، تأمین به‌موقع از مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی و مدیریت منابع ارزی کشور در دستور کار دولت قرار دارد. مهاجرانی مدیریت نقدینگی و هدایت منابع مالی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی را نیز از اولویت‌های جدی دولت برشمرد و گفت ایجاد صندوق های ارزی، انتشار اوراق مبتنی بر سکه، کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها، جلوگیری از اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، مدیریت و کاهش کسری بودجه و کنترل انتظارات تورمی با جدیت دنبال می‌شوند. به گفته سخنگوی دولت، در شرایط کنونی تخصیص ارز به کالاهای اساسی، دارو و مواردی که به پویایی بیشتر اقتصاد کشور کمک می‌کنند، در اولویت قرار دارد. از همین رو، واردات خودروهای نظیر ون برای هتل‌داران و خودروهای سایر متقاضیان، حتی موارد مربوط به ایرانیان خارج از کشور، به دلیل شرایط موجود متوقف

به گفته مهاجرانی، اگر روند مصرف بنزین با همان شیب افزایشی گذشته ادامه می‌یافت، دولت شایب افزایشی تأمین نیاز کشور واردات بیشتری انجام دهد. از این رو، دولت در کنار

رئیس خانه احزاب تهران:

از انتخابات تا متن جامعه؛ احزاب باید همیشه فعال باشند



مدیریتی در اختیار زنان قرار گیرد. مهاجرانی همچنین انتخاب وزیر راه و شهرسازی زن و سخنگوی زن دولت را از اولین تجربه‌های این دوره عنوان کرد.

دولت‌شنونده‌نقد‌ها است

او در واکنش به تجمععات علیه شخصیت‌های سیاسی و اعضای هیأت دولت نیز بر ضرورت حفظ «اتحاد مقدس» تأکید کرد و گفت نقد و بی احترامی دو مقوله متفاوتند و باید میان آنها تمایز قائل شد. به گفته مهاجرانی، نقد باید همراه با احترام، پذیرش و شنیدن صدای طرف مقابل باشد و دولت و همه کسانی که در مسیر منافع ملی فعالیت می‌کنند، شنونده نقدها هستند. او با اشاره به تلاش رئیس مجلس شورای اسلامی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات و امضای تفاهنامه‌ای که به گفته وی عزت ایران در آن متبلور است، حفظ وحدت را مسئولیتی همگانی دانست. سخنگوی دولت همچنین درباره پیگیری وضعیت خلبانان ایرانی در سفر وزیر کشور به قطر گفت مشر شده است این موضوع با حضور هیأت فنی پیگیری شود و وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط در این زمینه فعالیت می‌کنند. به گفته او، دولت قطر نیز برای همکاری و روشن شدن وضعیت این افراد اعلام آمادگی کرده است. مهاجرانی در پایان بر ضرورت احترام به همه شهروندان، شنیدن صداهای مختلف جامعه و توجه به معیشت مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت تأکید کرد و گفت دولت متناسب با شرایط و ضرورت‌های موجود، تصمیم‌بندی نیاز نداشته باشد؛ با این حال، اقتصادی اتخاذ خواهد کرد.

بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر انسجام ملی در گفت‌وگو با پاپک‌نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس

جامعه بی‌میانجی بی‌دفاع است

رد پای جریان نفوذ را در برجسب‌زنی‌ها علیه مسئولان و دلسوزان آشکارا می‌بینم



علیم: «سجاد صلفی/ ایران»

گفت‌وگو

مهراوه خوارزمی

گروه سیاسی

به‌ویژه نمایندگان مجلس عمل کنند. با این حال به باور نگاهداری، اینکه نمایندگان مجلس تا چه حد در تدوین می‌شوند تا چه حد از پشتوانه فکری و کارشناسی که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی وجود دارد بهره می‌گیرند و پژوهش‌ها و پیمایش‌های این مرکز درباره عوامل مؤثر بر انسجام ملی و سرمایه اجتماعی چه جایگاهی در تصمیم‌گیری‌های نهاد قانون‌گذاری کشور دارد. «اینها پرسش‌هایی بود که «ایران» بنا داشت در گفت‌وگو با پاپک‌نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیگیری کند. نهاد تحت‌پایست‌ا‌وز جمله نهاد‌های مهمی است که با انجام مطالعات، افکارسنجی‌ها و ارزیابی‌های می‌تواند و باید به عنوان پشتوانه فکری و کارشناسی تصمیم‌گیرندگان به‌ویژه نمایندگان مجلس عمل کند. با این حال به باور نگاهداری، اینکه نمایندگان مجلس تا چه حد در تدوین طرح‌های پیشنهادی و بررسی لایوح از مشورت‌ها و توصیه‌های این نهاد کارشناسی بهره می‌گیرند، امر مطلق نیست. اواما از جایگاه سیاست‌ورزی است که در عمر ۴ ساله ریاستش بر مرکز به استناد یادداشت‌ها و مقالاتش تلاش داشته این نهاد را از جهت‌گیری‌های جناحی مصون نگاه دارد و علقه ویژه‌ای نسبت به ضرورت تقویت انسجام ملی و حفظ سرمایه اجتماعی از مسیر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های حاکمیت دارد. نگاهداری در گفت‌وگو با «ایران» بریک مؤلفه مهم در این باره تأکید دارد. وجود افراد و گروه‌های میانجی میان مردم و حاکمیت که به اعتقاد او بی‌وجود آنها جامعه و حاکمیت صدای یکدیگر را به‌به‌بدترین وجه خواهند شنید. به گفته نگاهداری، جامعه بی‌میانجی‌ها، جامعه بی‌دفاعی است.

پیش از یک‌سال است که ایران پاپک جنگ تمام‌عبار نظامی و اقتصادی مواجه است و به‌پایور اکثریت صاحب‌نظران در این جنگ تقویت انسجام‌ملی و حفظ سرمایه اجتماعی پایه‌پای توانمندی نظامی کشور حائز اهمیت است. در چنین شرایطی در پژوهش‌ها و پیمایش‌های انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی چه عواملی به عنوان مهم‌ترین موارد تضعیف‌کننده و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی و انسجام ملی احصا شده‌اند؟

ما در مرکز پژوهش‌های مجلس چند سالی است که وضعیت سرمایه اجتماعی را به طرق مختلف افکارسنجی‌ها و شیوه‌های محاسباتی در فضای مجازی‌سنش و ارزیابی می‌کنیم و نتایج آن را با توالی‌های ۶ ماهه شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی چه عواملی به عنوان مهم‌ترین موارد تضعیف‌کننده و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی و انسجام ملی احصا شده‌اند؟ برای همه ما باید ایران موضوع مشترک باشد؛ حالا به تعبیر قائم مقام فرا‌هایی چه با نام، چه با ننگ. باید تمرکز مشترک همه ملت ایران حفظ ایران، تلاش برای جلوگیری از تجزیه ایران و پیشبرد آرمان‌ها و رویای مشترک اعتلای ایران باشد. رهبر انقلاب هم در پیام‌هایشان روی این نکته تأکید کرده‌اند. بعد سال‌ها وقتی ما به تاریخ پیوسته‌ای، دیگر نه نام من هست نه نام شما؛ ولی آثار تلاش‌ها و اقدامات ما در سرنوشت آینده ایران و فرزندان این سرزمین حتماً به جا خواهند ماند. به نظرم ریزنده جمهوری اسلامی ایران نیست که عده قلیلی در کشور سعی کنند از انواع برجسب‌زنی‌ها، مسئولان و افرادی را آماج انواع اتهام‌ها و توهین‌ها قرار دهند چرا که آنها سرمایه اجتماعی هستند و می‌توانند نقطه وصل جریان‌های مختلف باشند و نقش میاندار را بازی کنند و به خواست وحدت و انسجام‌ملی جامه عمل ببوشانند. اینکه یک جریان قلیلی ولی پرسرو صدا شروع کنند به رفتار غیرمنصفانه و غیر اخلاقی برجسب‌زنی، به یکی بگویند خان و به دیگری بگویند جانیوس و وطن فروش و در آن سو هم جریان‌های مخالف شروع کنند به گفتن اینکه این حکومتی است ... و. با این برجسب‌زنی‌ها نمی‌توانیم به اتحاد ملی برسیم. ما نباید اجازه بدهیم این صدها اقلیتی با استفاده از «اقتصاد توجه» سرنوشت یک سرزمین و یک ملت را به بازیچه بگیرند. «اقتصاد توجه» یعنی هر کس در فضای مجازی و رسانه‌ها حرف‌های تند و تیزتری بزند بیشتر دیده شود. وقتی که فردی که دارای سرمایه اجتماعی است برجسب نامناسب و غیرمنصفانه‌ای زده می‌شود، عملاً اثر آن شخصیت در وصل کردن گروه‌ها و جریان‌ها به یکدیگر را دست می‌رود و او دیگر نمی‌تواند آن نقش ایجاد انسجام و تقویت سرمایه اجتماعی را ایفا کند. اتفاقاً اکثر این برجسب‌ها هم به افرادی زده می‌شود که به نظر می‌آید سرمایه اجتماعی و مقبولیتی در بین گروه‌های مختلف دارند. واقعیت این است که من همه این برجسب‌زنی‌ها را از روی غفلت نمی‌دانم. من جریان نفوذ را در این برجسب‌زنی‌ها کاملاً آشکارا می‌بینم. اصلاً برجسب‌زنی، نهمت، افترا و ناسزا یک خط تولید پیدا کرده و تبدیل به یک صنعت شده است. کارگران شیفت شبی دارد که در انواع کال‌ها و گروه‌های فضای مجازی به اشکال مختلف افرادی را تحت توهین و افترا قرار می‌دهند و قضا را آلوده می‌کنند؛ حال آنکه این افراد مورد نهمت و توهین می‌توانند به انسجام ملی کمک کنند و نقش آفرین ملی باشند.

بله شاهد آن هستیم که علی‌رغم همه تأکیدی که از سوی عالی‌ترین مقام کشور در مورد ضرورت انسجام می‌شود، این مسأله توسط گروه‌هایی که اشاره داشتید کاملاً نادیده گرفته می‌شود و برجسب‌زنی‌ها و توهین‌ها به‌جای آنکه به موضوع و مسبب شکاف اجتماعی است انگشت می‌گذارند و شکاف‌ها را پررنگ می‌کنند. آیا فقط آن «اقتصاد توجه» عامل اصلی است؟ چه عوامل دیگری مؤثر هستند؟ چرا برهم زدن دگان انسجام قدرت می‌گیرند و برجسب به نظر می‌رسد صدای جریان بسیار گسترده‌تری که انسجام ملی را راه حل مهم مسائل پیش روی کشور می‌دانند، کمتر شنیده می‌شود؟ بخشی از این افراد واقعاً دلسوزند؛ حالا شاید تشخیص راهبردی درستی ندارند. ولی فکر می‌کنند اقداماتشان براساس دلسوزی‌شان انجام می‌شود. مطمئناً به بخشی از افرادی که این کارها را انجام می‌دهند همین نگاه را داریم. ولی من فهمم این است که همه این

تدبیر کنند و سعی کنند مجاری این نفوذ را ببندند. بالاخره واقعیت نفوذ آسیب بزرگ جامعه امروز ماست و در یک سال گذشته هم بخاطرش هزینه دادیم. در ازای این دغدغه یک نگرانی هم در جامعه به‌ویژه جامعه دانشگاهی و فرهنگی ما وجود دارد که بالاخره اگر سخت‌گیری از یک حدی بالاتر برود و افراطی شود این می‌تواند فعالیت‌های علمی و پژوهشی و ارتباطات این عزیزان را تحت الشعاع قرار بدهد. ریاست محترم مجلس هم در نطق خودشان روی این نکته تأکید داشتند که طرح نفوذ باید با رعایت و حفظ نقاط تعادل تدوین شود که به زندگی و روند فعالیت‌های عادی مردم لطمه وارد نشود و در عین حال بتوانیم اهداف مقابله با نفوذ را دنبال کنیم. مجلس هم دارد همین رویکرد را پیگیری می‌کند و به همین دلیل موادی از طرح که اشکال با ابهامی دارد به کمیسیون ارجاع می‌شود. بنابراین ان‌شاءالله براساس علانیت جمعی و برآیند تصمیم نمایندگان در انتها خروجی کار به مصلحت کشور خواهد بود تا بتوانیم در عین حال که جلوی نفوذ را می‌گیریم به پیشرفت علمی، هنری و اقتصادی آنچه به زندگی عادی مردم مربوط است لطمه زیادی وارد نکنیم.

یکی از الزامات مهم در شرایط حال حاضر کشور، جلوگیری از تبدیل شدن نارضایتی‌های اجتماعی به خشم عمومی و ایجاد زمینه برای بروز اعتراض و تنش اجتماعی است. از جمله این الزامات، اجتناب از قانون‌گذاری‌های اتخاذ تصمیماتی است که با حوزه‌های مورد حساسیت مردم تعارض دارد. از جمله این مسائل، یکی موضوع سبک زندگی و پوشش افراد و دیگری میزان آزادی در سترزی است. بخش مهم می‌تواند فضای مجازی. با وجود این شاهد آن هستیم که برخی با استدلال‌هایی مانند اینکه دلیل وقوع اتفاقات ۱۸، ۱۹ و ۲۰، رفغ فیلترین یا آن پیام‌رسان یا شبکه اجتماعی بوده، در شرایط حال حاضر خواستار تشدید پیروزی‌نگ و محدود شدن دسترسی‌ها هستند. در این حوزه مرکز پژوهش‌های مجلس تاکنون چه پیمایش‌هایی داشته و قرار کرد که در آمریکا رژیم صهیونی با خرج منابع مالی چنین کارزاری را رانداندازی کرده است. من بعید می‌دانم رژیم صهیونیستی در آمریکا این کار را انجام می‌دهد به فکر رانداندازی کارزار در داخل ایران با استفاده از عوامل نفوذی خودش نباشد. مطمئناً در ایران هم برای این صنعت ناسزا و توهین خرج می‌کنند. بنابراین اگر چنین صنعتی از خارج ایران به یک طرفه وارد شود، قطعاً به نفع ایران نیست و باید برای این کار، جریان نفوذ است که بالاخره باید نهادهای اجتماعی، اطلاعاتی و امنیتی ما هوشیار باشند و این موارد را شناسایی کنند و جلوی افرادی که با انواع توهین‌ها و افترا‌ها فضای عمومی جامعه را برهم می‌زنند بگیرند تا بتوانیم ان‌شاءالله در شرایط خطیری که به انسجام ملی نیاز داریم این امر را تقویت کنیم.

درباره فضای مجازی و مسائل مربوط به آن می‌شود ساعت‌ها به محبت کرد که شاید از حوصله گفت‌وگو ما خارج باشد. ولی من یکی دو نکته را خدمت شما عرض می‌کنم. ببینید، نظر مجلس بر بحث است و نظر یک یا چند نماینده بحث دیگری است. ما نباید نظر شخصی یک یا چند نماینده را که دارند یک طرحی را پیگیری می‌کنند به عنوان نظر مجلس تلقی کنیم. هزاران نسخه از این طرح‌ها در حوزه‌های مختلف در سامانه مجلس ثبت شده است. وقتی ارزیابی می‌کنند که هزاران طرح، در حد نرخی چهار درصد به انتهای کار و به صحن می‌رسد و می‌شود مصوبه مجلس، به همین دلیل نباید اظهار نظر یا پیششاهد هر نماینده را که در

درباره نفوذ و مسائل مربوط به آن می‌شود ساعت‌ها به محبت کرد که شاید از حوصله گفت‌وگو ما خارج باشد. ولی من یکی دو نکته را خدمت شما عرض می‌کنم. ببینید، نظر مجلس بر بحث است و نظر یک یا چند نماینده بحث دیگری است. ما نباید نظر شخصی یک یا چند نماینده را که دارند یک طرحی را پیگیری می‌کنند به عنوان نظر مجلس تلقی کنیم. هزاران نسخه از این طرح‌ها در حوزه‌های مختلف در سامانه مجلس ثبت شده است. وقتی ارزیابی می‌کنند که هزاران طرح، در حد نرخی چهار درصد به انتهای کار و به صحن می‌رسد و می‌شود مصوبه مجلس، به همین دلیل نباید اظهار نظر یا پیششاهد هر نماینده را که در سامانه مجلس ثبت شده است. وقتی ارزیابی می‌کنند که هزاران طرح، در حد نرخی چهار درصد به انتهای کار و به صحن می‌رسد و می‌شود مصوبه مجلس، به همین دلیل نباید اظهار نظر یا پیششاهد هر نماینده را که در سامانه مجلس ثبت شده است. وقتی ارزیابی می‌کنند که هزاران طرح، در حد نرخی چهار درصد به انتهای کار و به صحن می‌رسد و می‌شود مصوبه مجلس، به همین دلیل نباید اظهار نظر یا پیششاهد هر نماینده را که در

با وجود پژوهش‌ها و پیمایش‌هایی که از سوی نهاد‌های کارشناسی از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس به‌ویژه در مورد جامعه‌پذیری قوانین و مقررات انجام و منتشر می‌شود؛ هر از گاه شاهد مطرح شدن طرح‌هایی از سوی برخی کمیسیون‌های مجلس هستیم که خودتبدیل به ابزار تشدید شکاف‌ها و دو قطبی‌ها در جامعه می‌شود و این سؤال را ایجاد می‌کند که نسبت میان طرح‌ها پژوهش‌های کارشناسی چیست و چرا طرحی مانند طرح قبلیه با نفوذ مطرح می‌شود چرا نتیجه کارهای پژوهشی و کارشناسی شما در طرح‌هایی که ارائه می‌شود بازتاب پیدا نمی‌کند؟

حدوداً دو یا سه سال پیش از این، ما در مرکز پژوهش‌ها ارزیابی انجام دادیم برای اینکه ببینیم مجلس از طریق تصمیمات مجلس و نمایندگان مجلس با جهت‌گیری‌های توصیه شده از سوی مرکز پژوهش‌ها در ارتباط با موضوعات مختلف به چه میزان است. بر اساس گزارش‌های من شده، میزان همبستگی که میان گزارش‌های مرکز و تصمیم‌های اتخاذ شده سنجیده شد تقریباً بین نهایی یک تا یک‌هزار و یک روست ۵۸، ۲۵ درصد ایستاد. یعنی حدوداً ۶۰ درصد تصمیمات مجلس در راستای جهت‌گیری‌هایی است که مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد می‌دهد و ۴۰ درصد هم با آن جهت‌گیری‌ها همسو نیست. البته من این امر را کاملاً طبیعی می‌دانم. بالاخره وظیفه ما مشورت دادن است و یک تصمیم‌گیری از آن نمایندگان مجلس است و ما باید به کارشناسی مان انتظار نداریم که مجلس همانی را تصویب کند که مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد می‌دهد. ما مشورت می‌دهیم، آنها ملاخطات ما را می‌شنوند و در نهایت بر اساس تشخیص خودشان رأی می‌دهند. حالا مثلاً در مورد طرح نفوذ که اشاره کردید بالاخره یک دغدغه‌ای از سوی نهاد‌های امنیتی و نظامی وجود دارد. به‌ویژه با توجه به رویدادهایی که در یک سال گذشته اتفاق افتاد؛ تقریباً اکثر صاحب‌نظران موضوع نفوذ را جدی می‌دانند. یعنی فهم‌شان این است که وقتی با این حد از اشراف اطلاعاتی رهبر، فرماندهان و دانشمندان ما را در خانه و محل کارشان مورد اصابت قرار می‌دهند قطعاً یک که بیابند بین گروه‌های مختلف مردم و

فرزندانش؛ احتیاج دارد؛ چه آن فرزندی که رفته و چه آن که مانده، چه کسی که اندک، چه کسی که دلسوز است و چه آویی که امیدوار است

بین مردم و حاکمیت میانجی شوند. اگر این میانجی‌ها نباشند مردم صدای حاکمیت را از بدترین و تندترین تریبون‌های می‌شنوند. این طور می‌شود که مثلاً یک نماینده اظهارنظر خیلی شادی می‌کند و مردم فکر می‌کنند که موضع او، موضع حاکمیت است. حال آنکه این‌طور نیست و آن نماینده صرفاً نظر شخص خودش را درباره موضوعی مطرح کرده است. ولی چون میانجی‌ها برجسب خورده‌اند و در عمل حاشیه‌نشین شده‌اند و کمتر در جامعه میدان‌داری می‌کنند، جامعه حالت بی‌دفاع پیدا کرده است. از طرف دیگر در فقدان حضور این میانجی‌ها، حاکمیت هم ممکن است صدای مردم را در خشن‌ترین صورت خودش که همان اعتراض خیابانی و اغتشاش است، بشنود. اینها عوارض و آسیب‌های فقدان میانجی‌ها در جامعه است. اگر میانجی‌ها که میدانداران افکار عمومی هستند با انواع ترغندها، افترا و ناسزا و برجسب و... حاشیه‌نشین کنیم، این عرصه خشن می‌شود و آسیب‌هایی دارد.

به هر حال در همه موارد یک دستور کارها و نظراتی به نهاد‌های مختلف ارائه می‌شود. پیش از شروع گفت‌وگو هم اشاره کردید که مرکز پژوهش‌ها صرفاً به مجلس مشاوره نمی‌دهد؛ بلکه یک مسئولیت اجتماعی هم برای خودش تعریف کرده و به نهاد‌های دولتی یا ما اصولگراییم و شما اصلاح‌طلبید دیگر هم مشورت می‌دهد. آیا ارزیابی پسینی دارید از اینکه این نظرات کارشناسی تا چه حد به دستور کار و روند اجرایی تبدیل می‌شوند؟

وقتی شرایط کشور، شرایط جنگی است و رهبر معظم انقلاب هم تأکید می‌کنند که در این شرایط حساس تاریخی باید با انسجام ملی همه نرای اعتلای ایران تلاش کنیم؛ دیگری این نگاه که ما مجلسیم و شما دولتی یا ما اصولگراییم و شما اصلاح‌طلبید باید کنار گذاشته شود. همه باید با اهتمام ملی در راستای منافع ملی و اعتلای ایران تلاش کنیم. مرکز پژوهش‌ها قبلاً هم با نهادهای مختلفی همکاری داشت و نظرات و پیشنهاداتی را ارسال می‌کرد؛ ولی ما در ایام جنگ این همکاری را روچندان کردیم تا بتوانیم در این شرایط بحرانی مختلفی و هم افزایی کنیم و پیش برویم. بنابراین ما سعی می‌کنیم در هر چهار میدان مهمی که الان در کشور فعال شده است جایی که می‌توانیم کمک کنیم. من خواهشم این است که رسانه‌ها هم، همین نگاه را داشته باشند و کمک کنند. ما یک میدان خدمت داریم که دولت و مجلس است و اینها دارند تلاش می‌کنند تا در شرایط محاصره اقتصادی و تحریم، مشکلات معیشتی را رفع و کالاهای اساسی و نظار اینها را تأمین کنند. اضافه‌ا دولت و مجلس حداکثر تلاش‌شان می‌کنند. به همین دلیل با گذشت شش ماه از جنگ هیچ گونه کمبود کالایی جدی در کشور وجود ندارد. کمبود دارویی خیلی بزرگ و خاصی نداریم. این است که واقعاً باید قدر دان دولت باشیم. این درست که به خاطر محاصره و تحریم و... شاهد نرخ تورم بالای در کشور هستیم ولی کمبود کالا کر نداده است و دولت به اشکال مختلف سعی کرده بر مشکلات غلبه کند. بنابراین ما باید قدر دان دولت باشیم. رسانه‌ها هم خوب است این نقاط مثبت را ببینند. اعتقاد دارم ما چون در داخل این صحنه هستیم هنوز بزرگی کاری که ملت ایران در این شش ماه انجام داده‌اند خوب درک نمی‌کنیم.

در مقابل آمریکا و رژیم اسرائیل ایستادیم و در یک جنگ نامتقارن این اراده ملت ایران بود که بر کرسی نشست. رسانه‌ها می‌باید این را روایت کنند. نه اینکه در این شرایط دولت را تحریب کنیم. دولت دارد تلاش خود را در حد بضاعت، امکانات و شرایطی که وجود دارد، انجام می‌دهد. باید تشکر کنیم از مردم پرشور انقلابی که در میدان‌ها تجلی ایستادی ملی را نشان می‌دهند. البته من اعتقاد دارم ایستادی ملی از آن همه ملت ایران بوده است. ولی این عزیزانی که در این ۲۰۰ روز این سختی را بر خودشان تحمیل کرده‌ام؛ اینکه جامعه بی‌میانجی، جامعه بی‌دفاعی است؛ متأسفانه ما با برجسب‌زنی افرادی را که می‌توانند بین گروه‌های مختلف میانجی باشند و به تعبیر در زمره فداییان آور قرار بگیرند از میان خارج کرده‌ام. با این کار جان‌فدا‌ها در شرایط فعلی به فداییان آبرو نیز نیاز دارند. ما باید دید که بیابند بین گروه‌های مختلف مردم و

اما حتی وقتی طرح در مجلس به نتیجه نمی‌رسد و اغتشاش از مسیرهای دیگری پیگیری می‌کنند... توصیه‌ام این است که افکار عمومی را با انعکاس این مباحث که بیشتر از قاعده «اقتصاد توجه» استفاده می‌کنند؛ ششوش نکنیم. در شرایط جنگی نا جایی که می‌توانیم باید انسجام و آرامش را حفظ کنیم. یک موضوعی به صحن رسیده است، در آنجا که محل بحث جدی دارد می‌نشینیم و گفت‌وگو می‌کنیم. اگر ما در مرکز پژوهش‌های مجلس بخواهیم درباره همه طرح‌ها موضع رسانه‌ای بگیریم در واقعیت شاید خیلی کار درستی نباشد. باید صبر کنیم. در نهایت اگر طرحی از هفت خان مجلس عبور کرد، یعنی اگر طرحی ثبت و اعلام وصول شد، رفت به کمیسیون و از کمیسیون موفق بیرون آمد و در دستور کار و نوبت رسیدگی قرار گرفت، آن وقت با یکدیگر صحبت می‌کنیم. به هر حال این مشکلی است که من بارها به آن اشاره کرده‌ام؛ اینکه جامعه بی‌میانجی، جامعه بی‌دفاعی است؛ متأسفانه ما با برجسب‌زنی افرادی را که می‌توانند بین گروه‌های مختلف میانجی باشند و به تعبیر در زمره فداییان آور قرار بگیرند از میان خارج کرده‌ام. با این کار جان‌فدا‌ها در شرایط فعلی به فداییان آبرو نیز نیاز دارند. ما باید دید که بیابند بین گروه‌های مختلف مردم و

سیاسی

اداره و پیشبرد امور کشور در این شرایط تلاش می‌کنند، تغییر جهت می‌دهد. این درست نیست و ممکن است انسجام ملی را کم‌رنگ کند. ما باید تلاش کنیم این جهت‌گیری‌ها همچنان که در ابتدا رو به سوی دشمنان بوده همچنان محکم و پرتوان رو به سوی دشمن باشد. بحث دیگری که وجود دارد، این است که شاید کسانی که آن روزها ایران را در وضعیت خطیری می‌دیدند و به میدان می‌آمدند حالا کارایش‌شان به حضور کمتر شده چون احساس می‌کنند ایران تحت خطر شده‌اند این معاهده را امضا کنند. حالا البته همه‌مان می‌دانیم که دشمن و طرف مقابل ما طرف بدعهدی است و به توافقاش وفادار نبوده است. اما مطمئناً بعد از جنگ رمضان آمریکا ما با اشراف به این بدعهدی و بی‌تدبیری رفتند و این مذاکره را انجام دادند. مذاکره در حکمرانی از قواعدی تبعیت می‌کند. شما یک طرف مقابلی داری که تمام برنامه‌ریزش این است که کارها و برنامه‌های شما را برهم بزند. یک جا در حکمرانی یک کاری از قاعده و برنامه‌ریزی تبعیت می‌کند و هیچ مانع دشمنی وجود ندارد. آنجا شما به اندازه توان مدیریتیت خودتان پروژه را پیش می‌بری. اما مذاکره این‌طور نیست و از قواعد و برنامه تبعیت نمی‌کند. مذاکره از قواعد بازی تبعیت می‌کند. در حکمرانی وقتی طرف مقابل دارد بازی و تدبیر تو را بر هم می‌زند بالاخره وارد این تعامل می‌شوی و راه‌هایی که نتوانی داری خواسته‌های خودت را جلو می‌بری و یک جاهایی خواسته‌های طرف مقابل جلو می‌آید باید بدبیریم تیم مذاکره کننده و دیپلماسی ما فرزندان این سرزمین هستند، آنها هم مانند ما دغدغه ایران را دارند و در حد بضاعت، توان و فرصت‌هایی که برایشان وجود دارد سعی می‌کنند منافع ملی را به نحو حداکثری پیگیری کنند. این است که ما باید به دستورادگی نسبی که در هر حوزه به دست می‌آوریم، توجه کنیم و از آن روایت پیروزی بگوییم. این نگاه در برخی رسانه‌ها، نگاه مسومسی است که همه‌یگر را تخطئه می‌کنند. این واقعاً در شرایط جنگی بزرگ‌ترین خیانت و سم برای ایران است و هر کسی که واقعاً دلسوز است و دل در گرو اعتلای ایران دارد باید این دستاوردها و موفقیت‌هایی که ما در حوزه‌های مختلف خدمت و خیابان و مذاکره و نظامی به دست می‌آوریم روایت کند. این رسالت تاریخی همه ماست.

در صحبت‌تان به میدان خیابان اشاره کردید. یک اتفاق واقعاً کم‌نظیری که در ایران بلافاصله بعد از آغاز جنگ انجام شد. جنگ در نیمه اسفند شروع شد و ما از همان شب تا امروز تجمعات مردم در میدان‌ها را شاهد بودیم. هفته‌های اول حضور در این میدان تنوع بی نظیری از اقشار مختلف مردم بود که با این‌ها مختلف‌ها را شاهد بودیم. در بعضی تجمعات شاهد هستیم راجع به همین تفاهنامه و علیه تعدادی از مقامات شعار داده می‌شود. این میدان را با همان قاعده‌ای که در هفته‌های اول شاهد بودیم حفظ کنیم چه باید کنیم، چه نکاتی را مدنظر داریم؟

بحث میدان و خیابان که از اولین روز این جنگ شکل گرفته و مردم معیوث احساس خطری کردند نسبت به ایران و انقلاب و اتفاقاً در یک حرکت خودجوش مردمی از همان روزهای اول جنگ که بحران خیلی شدید بود به خیابان آمدند. ترامپ و اسرائیل آملاً برنامه‌ریزی کرده بودند که همزمان با حمله نظامی، اغتشاش داخلی و جنگ داخلی هم راه بیندازند و ایران را وادار به تسلیم و تجزیه کنند. مردم این رسالت تاریخی وقت‌ها را درست تشخیص دادند و در خیابان به صورت خودجوش از کیان این سرزمین و ایران دفاع کردند. اضافه‌ما هم این سرنوشت ملی، از آن همه فرزندان این سرزمین و همه مردم ایران است. واقعیت این است که مادر ما ایران که زخم خورده خصم است در این جنگ به همه فرزندانش احتیاج دارد؛ چه آن فرزندی که رفته و چه آن که مانده، چه کسی که دلخوار است و چه آویی که امیدوار است. وقتی شرایط جنگی را شاهد می‌ایستد همه در کنار هم از کیان این سرزمین دفاع کنیم. همه ما هم حضور پیدا می‌کردیم می‌دیدیم که همه گروه‌های مختلف با گرایش‌های مختلف دارند از ایران و وحدت و انسجام حمایت می‌کنند. این سرمایه بزرگی ست که با گذشت بیش از ۲۰۰ روز شاید مردم همچنان در میدان حضور دارند. بالاخره برخی وقت‌ها باید حواسمان باشد. شعارهای ما در این میدان و تمرکز آن شعارها و حرکتی که صورت می‌گیرد باید به سمت آمریکا و اسرائیل باشد، زیرا اگر حواسمان نباشد جای اینکه بعثت مردم در مقابل آمریکا و اسرائیل باشد نوک پیکان از سمت آمریکا و اسرائیل به بهانه‌ها و علل مختلف و با تحلیل‌ها یا دانرست به سمت خودی‌ها و مسئولان کشور که برای

● برای همه ما باید ایران موضوع مشترک باشد؛ حالا به تعبیر قائم مقام فرا‌هایی چه با نام، چه با ننگ. باید تمرکز مشترک همه ملت ایران حفظ ایران، تلاش برای جلوگیری از تجزیه ایران و پیشبرد آرمان‌ها و رویای مشترک اعتلای ایران باشد. ● برجسب‌زنی، نهمت، افترا و ناسزا یک خط تولید پیدا کرده و تبدیل به یک صنعت شده است. کارگران آشکارا این را دارند که در انواع کال‌ها و گروه‌های فضای مجازی به اشکال مختلف افرادی را تحت توهین و افترا قرار می‌دهند و قضا را آلوده می‌کنند؛ حال آنکه این افراد مورد توهین و توهین می‌توانند به انسجام ملی کمک کنند و نقش آفرین ملی باشند. ● اگر میانجی‌ها نباشند مردم صدای حاکمیت را از بدترین و تندترین تریبون‌ها می‌شنوند. ما نباید اجازه بدهیم این صدها اقلیتی با استفاده از «اقتصاد توجه» سرنوشت یک سرزمین و یک ملت را به بازیچه بگیرند.





این محاصره، افزون بر پیامدهای اقتصادی، از منظر حقوق بین الملل و حقوق بشردوستانه نیز قابل بررسی است و بسته به آثار آن می تواند نقض قواعد مخصصات مسلحانه باشد. در مقابل، ایران نیز اقدامات خود را برای مقابله با این روند تشدید کرده است.



می تواند بدون پرداخت هزینه وارد مذاکرات هسته ای شود.

این در حالی
است که از
نگاه تهران،
مسأله تنگه
هرمز و هفت
محور مطرح
شده همچنان
بخش مهمی
از معادله
چانه‌زنی و
سیاسی و
دیپلماتیک به
شمار می‌روند

تقویت موضوع در مذاکرات و تأمین منابع مالی به یقه بگیرد. البته نکته هنر همینا گنگه صادرات انرژی نیست، بلکه مسیر مهمی برای واردات رو، تجهیزات پزشکی، فناوری و آلاهای اساسی کشورهای جنوبی خرید فارسی به شمار می رود؛ ازاین رو، محدودیت تردد در آن می تواند زیاده تأمین این کشورها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. تأمین این کشورها، حفظ تنگه هرمز به عنوان انرژی راهبردی در چانه زنی های ایران و آمریکا و تبادل پیام ها از طریق میانجی هایی مانند قطر اهمیت ویژه ای دارد. در مقابل، ترانسپان با ادعای نابودی نظامی ایران و از بین رفتن امکان مذاکره، می کوشد با بهره گیری از جنگ ادراکی و رسانه ای، تحقق اهداف استکبارانه و نفوذ و موقعیت ایران را در افکار عمومی و مذاکرات تضعیف کند.

یران ازگشت به مذاکرات

در حاشیه اجلاس نیویورک، ایران هفت محور را پیش‌بردار می‌داند. مسیری که در میانگین طی می‌کند، از طریق کانال سuez به آمریکا مربوط به این مطالبات از طریق ماریجی فوری به آمریکا منتقل شد، اما واشنگتن در ابتدا دست کم بخشی از آنها را نپذیرفت. با این حال، تهران همچنان بر تعیین تکلیف این محورها تأکید دارد؛ موضعی که از اظهارات مسعود پورنیکان، عباس عراقچی، محسن رضایی و دیگر مسئولان کشور نیز بازتاب یافته است. به اعتقاد من، ترامپ با طرح این ادعا که همزمان همزبان شده و مسأله آن را حل‌فصل شده است، می‌کوشد چنین القا کند که ایران اهرم فشار خود را در دست داده و آمریکا می‌تواند بدون پرداخت هزینه در مذاکرات هسته‌ای شود. این در حالی است که از نگاه تهران، مسأله تنگه هرمز و هفت محور محور مطرح شده همچنان بخش مهمی از معادله چانه‌زنی سیاسی و دیپلماتیک به شمار می‌رود. موضوع ایران روشن است: تا زمانی که این هفت محور تعیین تکلیف نشود و آمریکا برای اجرای آنها اقدام عملی انجام ندهد، بازگشت به میز مذاکره نمی‌تواند بدین پیش‌شرط و جبران اقتضا گرفته شود. گریز از آزادی‌های دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، اعلام پایان جنگ و رسیدگی به دیگر مطالبات تهران، از جمله مباحثی است که در این چارچوب در نظر قرار دارد. از این منظر، تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی برای انتقال انرژی نیست، بلکه بخشی از معادله قدرت و اهرم چانه‌زنی ایران در برابر آمریکا است. واشنگتن نمی‌تواند از یک سو بر حل اختلافات و از سوی دیگر تأکید کند که ایران سبزی دیگر، بدون پاسخ‌گویی به مطالبات ایران و اجرای تعهدات خود در نظر تهران، خواستار آغاز دو جریده گاوگاو شده، نقطه ثانوی باشد، و چگونگی تبدیل دستاوردهای میدانی، نظامی و

امتی ایران به دستاوردهای سیاسی و دیپلماتیک. باید روشن شود که چگونه می‌توان از موقعیت راهبردی ایجادشده برای تأمین منابع ملی در مذاکرات بهره گرفت و در معاف حال، وضعیت هم‌رمز را پس از پایان جنگ، با هر سازوکاری که به آن منجر شود، تعیین کرد. حتی اگر خوش‌بینانه‌ترین سناریو را در نظر بگیریم و فرض کنیم دو طرف بر اساس معادله برزین به هر یک پایانه دهند، همچنان این پرسش اساسی باقی می‌ماند که تنگه هم‌رمز پس از جنگ چه وضعیتی خواهد داشت و جایگاه آن در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه چگونه تعریف خواهد شد. به بیان دیگر، پایان جنگ تنها بهایی تکلیف این اهرم راهبردی را روشن نمی‌کند و چگونگی مدیریت آن در دوره پس‌انگیز نیز بستگی به معادلات سیاسی و دیپلماتیک پیش رو خواهد بود.

حقوق کشورهای ساحلی در معادله بین المللی تنگه هرمز

اگر ایران بتواند با مشارکت عمان و رعایت حقوق سایر کشورهای ساحلی، در شکل گیری سازوکارهای پایدار مدیریت و تأمین امنیت تنگه هرمز نقش مؤثری ایفا کند، جایگاه راهبردی کشور در منطقه تقویت خواهد شد. از همین رو، آمریکا تلاش می‌کند مانع افزایش نقش ایران در ترتیبات امنیتی این گذرگاه نفتی شود. از سوی دیگر، ایران پس از تحمل خسارت‌ها و شهادت شماری از نیروها و مسئولان خود، نمی‌تواند پذیرد که پس از پایان جنگ، همه‌چیز به شرایط پیش از درگیری بازگردد و تنگه هرمز بدون چرخه تغییراتی در ترتیبات مدیریتی و امنیتی، مانند گذشته مورد استفاده قرار گیرد؛ به‌ویژه آنکه آمریکا پیش از این مسیر برای انتقال تجهیزات و تسلیحات نیاز خود و رژیم صهیونیستی و گسترش حضور نظامی آن در منطقه را هدف گرفته است. بنابراین از نگاه من، ناپدید شدن نقش و مانع ایران در ترتیبات آینده تنگه هرمز قابل پذیرش نیست. به اعتقاد من، ریشه بحران کنونی در تنگه هرمز و دیگر عرصه‌ها، به جنگی ایفا گردید که آمریکا آغاز کرده است؛ بنابراین واشینگتن نمی‌تواند بدون پذیرش مسئولیت پیمادهای آن، انتظار بازگشت ایران به شرایط پیش از جنگ و صرف نظر از دیدگاه راهبردی خود را داشته باشد. ایران باید در چارچوب توافق منصفانه، موضوع مناقع خود را تأمین کند و ترتیبات آینده تنگه هرمز نیز با رعایت حقوق کشورهای ساحلی، از طریق سازوکارهای منطقه‌ای و بدون مداخله و تحمیل اراده طرف‌های فراملقه‌ای تعیین شود. تحقق این هدف، به اعتقاد من، مستلزم حفظ انسجام ملی، هماهنگی میان نهادهای نظامی، امنیتی و دیپلماتیک و ایستادگی در مسیر احقاق حقوق ایران است.

فراخوان عمومی شناسایی و دعوت

شهر فرودگاهی امام خمینی

از متقاضیان واجد شرایط به منظور واگذاری حق بهره‌برداری از پارکینگ‌های وابسته به ترمینال در شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) (سهامی خاص)

در نظر دارد به منظور واگذاری حق بهره‌برداری از پارکینگ‌های واسطه و نقلیه در شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) از طریق انعقاد قرارداد بهره‌برداری با رعایت لایحه قانونی واگذاری و تخلیه اماکن و محل‌ها در فرودگاههای کشور مصوب ۱۳۵۸ و آیین‌نامه اجرایی آن، اقدام نماید. متقاضیان می‌بایست به صورت مکتوب، اطلاعات مربوط به **سوابق** فعالیت و تجربه مرتبط، سوابق بهره‌برداری و مدیریت پارکینگ‌های مشابه، ظرفیت و توان عملیاتی، امکانات و تجهیزات، توان مالی، نیروی انسانی متخصص و سایر اطلاعات و مستندات مرتبط را ارائه نمایند.

متقاضیان متقاضیان که اعلام آمادگی نموده و صلاحیت و توانمندی آن‌ها تأیید گردد، جهت خرید و تکمیل اسناد فراخوان دعوت به عمل خواهد آمد.

این فراخوان صرفاً به منظور شناسایی متقاضیان و ارزیابی اولیه ظرفیت و توانمندی فعالان حوزه بهره‌برداری و مدیریت پارکینگ منتشر می‌گردد و انتشار آن هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) نسبت به واگذاری، انعقاد قرارداد یا پذیرش پیشنهاد متقاضیان ایجاد نخواهد کرد. شرایط و نحوه واگذاری، مدت بهره‌برداری، محدوده و ظرفیت پارکینگ‌های موضوع فراخوان، الزامات فنی و اجرایی، نحوه مجاسه و پرداخت حق بهره‌برداری و سایر شرایط مربوط، متعاقباً و در چارچوب ضوابط و مقررات مربوط تعیین و به متقاضیان واجد شرایط اعلام خواهد شد.

مهلت اعلام آمادگی و ارسال مدارک: داکتر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹.

نحوه ارسال مدارک: متقاضیان می‌توانند مدارک و مستندات خود را به نشانی: تهران، کیلومتر ۳۰ بزرگراه خلیج فارس، ساختمان مرکزی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) تحویل یا از طریق پست الکترونیکی به نشانی Secretariat@ikac.ir ارسال نمایند.

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)

ایران

سینمای ایران؛ هویتی که مرزها را پشت سر می گذارد

عشقی که ملت ما به سینما دارد باعث شده سینمایی دوگانه داشته باشیم که هم سرگرم کننده است و هم هنر سینما را به رخ می کشد. این هنر در ۵۰ سال گذشته بسیار رشد کرده است، اما گاه فکر می کنم سینمایی نویسان و منتقدان ما در معرفی آن کوتاهی کرده‌اند. خوب یا بد، حالا سینمای ما صاحب مهر ایرانی بودن شده است و قطعاً آثار بهتر به خارج از مرزها نیز صادر می شود. این سینما را کسی نمی تواند ساقط کند چون توانایی رشد پیدا کرده و تقلید هم در آن به شدت کاهش پیدا کرده است.

به بهانه سالمرگ ناصر تقوایی فیلمساز، عکاس و نویسنده ایرانی / ایسنا

درباره نمایش کوروش

وقتی صحنه خاموش می شود، کلمه می ماند

یادداشت

مسعود فروتن
نویسنده و کارگردان

در بیش از پنج دهه زندگی در جهان هنرهای نمایشی، از تئاتر و تلویزیون تا رادیو و ادبیات، همواره ترجیح داده‌ام به جای نوشتن درباره آثار، در کنار آنها زندگی کنم؛ در کنار هنرمندان بیاموزم، تجربه کنم و از نزدیک شاهد رنج و شور آفرینش باشم. در تمام این سال‌ها هرگز به نوشتن نقد و تحلیل روی نیاوردم. شب پیش، به دعوت دوست عزیزم امین رهبر، به تماشای نمایش «کوروش» به کارگردانی نادر برهانی مرند نشستم. پس از اجرا، امین رهبر از من خواستند یادداشتی درباره این نمایش بنویسم. مثل همیشه، اول امتناع کردم؛ اما اندکی بعد با خود اندیشیدم شاید اگر قرار باشد روزی از تجربه سالیانم چیزی بر کاغذ بیاورم، این بار و برای این نمایش، زمان مناسبی باشد؛ نمایشی درباره کوروش، یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ و حافظه فرهنگی ما ایرانیان.

آنچه می نویسم، نقد به معنای حرفه‌ای آن نیست؛ با تمام احترام به منتقدان و جایگاه ارزشمند نقد، این، روایت شخصی من است؛ حاصل بیش از پنج دهه کار، تماشای، آموختن و زیستن در کنار هنرمندان این سرزمین. بی تردید، پشت این نگاه سال‌ها تجربه ایستاده است، اما تجربه نیز به تنهایی ادعای دانستن همه چیز نیست؛ تنها به آدمی امکان می دهد از جایی که ایستاده، صادقانه تر به آنچه دیده است بنگرد.

پس این چند سطر را نه به عنوان داوری نهایی که به‌مثابه یادگاری از یک شب تئاتری بخوانید؛ حاصل گفت‌وگویی که میان من و نمایش «کوروش» شکل گرفت و از ذهن و خاطره به کاغذ راه یافت. شاید صحنه خاموش شود، اما اگر کلمه‌ای از آن شب باقی بماند، چراغ کوچکی است که می تواند در جایی دیگر، دوباره روشن شود.

نمایش با خوابی هولناک آغاز می شود؛ خواب آستیاگ، پادشاه ماد؛ خوابی که مرز میان واقعیت و کابوس را درهم می ریزد. اما خوابی که می بینیم از آن او نیست؛ از آن ترس است؛ ترسی که هر قدرنی، دیر یا زود، از آینده خودش پیدا می کند. برهانی مرند، با کارنامه‌ای از قلمرو رئالیسم اجتماعی، نگاه آشنای خود را به هگماتانه برده و همچنان دنبال انسان است. او تاریخ را مثل ویتیرین موزه جلوی ما نمی گذارد؛ مثل زخمی بازش می کند و می پرسد: مشروعیت از تبار و قدرت می آید یا از کردار انسانی؟ مونولوگ پائانی کوروش، رها از بدن و تصویر، نه خطابه‌ای سیاسی که سوگندی اخلاقی است؛ جایی که مشروعیت از قدرت به مسئولیت بدل می شود. در ادامه، در منظر دریافت شخص‌ام، به بازی‌های بازیگران می پردازم.

مرتضی اسماعیل کاشی:

بدن به مثابه سازوکار حضور

اگر قرار باشد از این اجرا دلیلی برای تماشای دوباره انتخاب کنم، بی تردید مرتضی اسماعیل کاشی است. او از آن بازیگرانی است که پیش از اولین کلمه، با تمامیت

حضورشان وارد صحنه می شوند؛ گویی بدنشان پیش از زبان، جهان شخصیت را به سخن درمی آورد. در بازی او، بدن صرفاً حامل شخصیت نیست؛ خود شخصیت است که در زست، نگاه، مکث، چرخش سر و آهنگ کلام تجسد می یابد. بیان فیکوراتیو و آگاهانه تئاتری او، اغراق را نه در تقابل با حقیقت که راهی برای رسیدن به حقیقتی دیگر به کار می گیرد؛ حقیقتی که تنها در قراردادها و امکانات زنده صحنه مجال ظهور می یابد. او به بدن کیفیتی مجسمه‌وار می بخشد، بی آنکه زندگی را از آن بگیرد.

آن قدر از بازی او ذوق زده‌ام که دلم می خواهد بسیار بیشتر بنویسم؛ اما مجال این یادداشت کافی نیست؛ پس فعلاً همین قدر بگویم که اسماعیل کاشی یکی از درخشان‌ترین ظریف‌های بازیگری تئاتر امروز ایران است.

آذرنگ بازیگری است که سال‌ها در تئاتر، سینما و تلویزیون کار کرده و این تجربه در صحنه کاملاً حس می شود. راحتی او روی صحنه نتیجه سال‌ها تمرین است و هرگز به بی دقتی نمی لغزد. قوت اصلی او مدیریت ریتم است؛ می داند کجا جمله را امتداد دهد تا وزن بگیرد و کجا آن را کوتاه کند تا ضربه بزند. واژگان کهن را با آرامشی ادا می کند که گویی زبان روزمره شخصیت است؛ صدایش نه بلند است و نه تحمیلی. شخصیت‌سازی او با لایه‌های کوچک انجام می شود؛ نگاهی که کمی دیرتر از انتظار می آید، مکثی پیش از پاسخ و حرکتی که کمتر از حد معمول انجام می شود. «استاد» برای او لقب تشریفاتی نیست و توصیفی دقیق از تجربه اوست.

در نهایت، هارپاک آذرنگ شاعرانه است، درست مثل خود متن؛ وزن کلام، فاصله‌گذاری‌های آهنگین و سکوت‌های حساب شده، بازی او را به نوعی شعر صحنه‌ای تبدیل می کنند، بی آنکه به تصنع برسد.

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

سر دبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

مدیرعامل: علی متقیان

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۳ • **روابط عمومی:** ۱۵۸۷۵-۵۲۸۸

نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه ایران و مؤسسه جام جم

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳



«مجتبی پیرزاده» با «وزارت آب» به تماشاخانه ایرانشهر می آید

نمایش «وزارت آب» به نویسندگی مهام میقانی، کارگردانی مهرداد مصطفوی و تهیه کنندگی رامین سپاسی در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می رود. مجتبی پیرزاده و میلاد شجره بازیگران این نمایش هستند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «تهران با بحران شدید کم‌آبی روبه‌رو شده و تنها یک مخزن آب باقی مانده است. حالا سرنوشت همین آخرین ذخیره آب، سرنوشت شهر را رقم خواهد زد.» **ایران**



نمایش نسخه مرمت‌شده «باشو، غریبه کوچک» بیضایی

نسخه مرمت شده فیلم سینمایی «باشو، غریبه کوچک» ساخته زنده‌یاد بهرام بیضایی، ۲۲ مهر ۱۴۰۵ در شهر مونترال برای علاقه‌مندان به سینمای ایران اکران می شود. نسخه مرمت شده «باشو، غریبه کوچک» با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و در استودیو روشنا آماده شده است تا این اثر سینمایی با کیفیتی بالاتر در اختیار مخاطبان قرار گیرد. **ایرنا**



آغاز اکران «من می ترسم» «امیرجعفری» از امروز

«من می ترسم» آخرین فیلم بهنام بهزادی در سینما، پیش از سریال «بیست‌ویک» در شبکه نمایش خانگی است که با بازی امیر جعفری، الناز شاکردوست، مهران احمدی، ستاره پسیانی و پوریا رحیمی‌سام ساخته شده، اما بنا به شرایط، در این چند سال فرصتی برای اکران عمومی پیدا نکرده بود. اکران این فیلم که با تغییرات جدید و تدوین دوباره روی پرده می‌رود، از چهارشنبه ۲۲ مهرماه آغاز می‌شود. **ایسنا**

تحلیل فرهنگی روز

رضاصانی

دبیر گروه فرهنگی

به بهانه سومین سالمرگ داریوش مهرجویی

فیلمسازی که باید دوباره کشفش کرد

بعضی فیلمسازان قصه می گویند و بعضی دیگر از خلال قصه، جهان را تفسیر می کنند. داریوش مهرجویی از دسته دوم بود. فیلمسازی که سینما را نه صرفاً ابزاری برای سرگرمی، بلکه امکانی برای اندیشیدن، پرسیدن و کشف پیچیدگی های انسان می دانست. اهمیت

او در تاریخ سینمای ایران فقط به ساخت فیلم‌های ماندگار محدود نمی شود؛ مهرجویی از جمله سینماگرانی بود که به تصویر، عمق فکری می‌بخشد و از دل زندگی روزمره، پرسش‌هایی فلسفی و اجتماعی بیرون می کشید.

در سینمای او، اندیشه چیزی جدا از روایت نبود

که به فیلم الصاق شود. فکر در دل شخصیت‌ها، روابط انسانی، بحران‌های خانوادگی و تناقض‌های اجتماعی شکل می گرفت. مهرجویی به جای آنکه پاسخ‌های قطعی به مخاطب بدهد، او را با پرسش‌هایی مواجه می‌کرد که پس از پایان فیلم نیز ادامه می‌یافتند. از «گاوه» تا «هامون»، از «آجارنشین‌ها» تا «لیلا» با فیلمسازی روبه‌رو هستیم که می‌کوشید از سطح اتفاقات عبور کند و به لایه‌های پنهان‌تر تجربه انسانی برسد.

در «گاوه» مسأله هویت و نسبت انسان با جهان پیرامون، در دل روایتی ساده و بومی به تجربه‌ای عمیق تبدیل می‌شود. در «هامون»، بحران روشنفکری، اضطراب وجودی و آشفتنگی روابط انسانی در هم می‌آمیزند. «آجاره‌نشین‌ها» با زبانی طنزآمیز، مناسبات قدرت، منفعت‌طلبی و ناتوانی در زندگی جمعی را به تصویر می‌کشد و «لیلا» به سراغ پیچیدگی‌های عاطفی، سنت و فشارهای اجتماعی می‌رود. این تنوع موضوعی نشان می‌دهد که مهرجویی به یک فرمول ثابت وفادار نبود. آنچه آثارش را به هم پیوند می‌داد، نوع نگاه و حساسیت او به انسان و جامعه بود. یکی از کلیدهای فهم این جهان سینمایی، نسبت مهرجویی با کتاب و قلم است. او فیلمسازی اهل مطالعه بود که با ادبیات و فلسفه ارتباطی جدی داشت. کتاب برای او صرفاً منبعی برای یافتن موضوع یا اقتباس نبود، بلکه راهی برای شناخت جهان و گسترش افق‌های ذهنی به شمار می‌رفت. این پشتوانه فکری به او امکان می‌داد تا از مواجهه با متون ادبی و فلسفی، به تجربه‌ای مستقیم در سینما برسد و مفاهیم انتزاعی را در قالب شخصیت، موقعیت و تصویر باآفرینی کند. «هامون» نمونه روشنی از این پیوند میان اندیشه و سینماست. شخصیت اصلی فیلم، انسانی گرفتار میان دانسته‌ها، آرزوها، تردیدها و شکست‌های شخصی است. بحران او صرفاً مسأله‌ای فردی نیست، بلکه بازتاب وضعیتی فرهنگی و فکری است، وضعیتی که در آن، دانستن لزوماً به معنای توانستن نیست و اندیشیدن همیشه به رهایی منتهی نمی‌شود. مهرجویی توانایی آن را داشت که چنین تناقض‌هایی را از فضای ذهنی بیرون بیاورد و به تجربه‌ای ملموس و سینمایی تبدیل کند. اهل کتاب و قلم بودن او از این جهت اهمیت دارد که یادآور نقش جهان‌بینی در فیلمسازی است. تکنیک، شناخت ابزارهای سینما و تسلط بر روایت، بی‌تردید ضروری‌اند، اما به تنهایی نمی‌توانند به فیلم عمق ببخشند. فیلمساز برای خلق جهانی باورپذیر و ماندگار، باید چیزی فراتر از مهارت فنی در اختیار داشته باشد مثل شناخت انسان، حساسیت اجتماعی، قدرت مشاهده و میل به پرسشگری. از این منظر، سالمرگ مهرجویی نباید تنها فرصتی برای مرور خاطرات و تکرار ستایش‌ها باشد. این مناسبت می‌تواند بهانه‌ای برای بازخوانی جدی سینمای او باشد. بازخوانی‌ای که نه بر نوستالژی، بلکه بر تحلیل آثار، شناخت شیوه فیلمسازی و بررسی نسبت سینما با اندیشه استوار شود. چنین مواجهه‌ای به معنای تأیید بی‌چون و چرای تمام آثار او نیست، میراث هر هنرمند زمانی زنده می‌ماند که امکان نقد، تفسیر و گفت‌وگو درباره آن فراهم باشد. سینمای امروز ایران به این بازخوانی نیاز دارد. در شرایطی که تکرار فرمول‌های آشنا، ضعف جهان‌بینی و غلبه نگاه‌های سطحی می‌تواند افق خلاقیت را محدود کند، رجوع به مهرجویی فرصتی برای تأمل درباره نسبت فرم و محتوا، شخصیت‌پردازی، اقتباس ادبی و شناخت اجتماعی فراهم می‌آورد.

داریوش مهرجویی دیگر در میان ما نیست، اما سینمایش همچنان قابلیت گفت‌وگو و کشف دارد. بهترین شکل پاسداشت او، صرفاً سوگواری برای فقدانش نیست؛ باید فیلم‌هایش را دوباره دید، درباره‌شان نوشت و آنها را با مسائل امروز سنجد. سینمای ایران برای ساخت فیلم‌های بهتر، به فیلمسازیانی نیاز دارد که علاوه بر دانستن چگونه فیلم ساختن، درباره چرایی فیلم ساختن نیز بیندیشند. مهرجویی از جمله کسانی بود که این ضرورت را به ما یادآوری کرد؛ سینما وقتی از اندیشه نیرو می‌گیرد، از قاب تصویر فراتر می‌رود و در ذهن و زندگی مخاطب ادامه پیدا می‌کند.

این چالش را پذیرفته و در بهترین لحظه‌ها از دام کلیشه‌گرفته‌است. صدای او گرم و استوار است و در صحنه‌های عاطفی لایه‌های تازه‌ای پیدا می‌کند. جذبه او در ایستایی آرام و نگاهی استوار دیده می‌شود؛ وقتی کوروش سکوت می‌کند، سکوتش وزن دارد و این همان ویژگی‌ای است که یک قهرمان تاریخی را از یک بازیگر معمولی جدا می‌کند.

باران نیکراه: ظریف‌تی صوتی و حضوری که از عهده نقش برآمد

پیش از رسیدن نمایش به صحنه، نام باران نیکراه در گفت‌وگوها شنیده می‌شد. اما به گمانم، انصاف حکم می‌کند که میان انتخاب یک بازیگر و حاصل حضورش روی صحنه تفاوت بگذاریم. آنچه من دیدم، حضور بازیگری بود که توانست از عهده نقش برآید و پیش از انتظار من روی صحنه ایستاد.

صدای باران، با گرمای دلنشین، در کنار زبان فاخر و آهنگین متن پیوندی خوشایند پیدا می‌کند. گاهی صدا، پیش از آنکه کلمه‌ای معنا شود، راهی به دل باز می‌کند و باران در لحظاتی از اجرا از همین راه با تماشاگر سخن می‌گوید. او در همین ابتدای راه به طور غریزی از پس کار برآمده و غریزه‌ای چنین گرم و صادقی سرمایه‌ای کمیاب است؛ آنچه هنوز با تجربه کهنه‌کاران فاصله دارد از جنس بی‌تجربگی است، نه بی‌استعدادی. برخی گفته‌اند او را به خاطر دنبال‌کنندگانش در یکی از شبکه‌های اجتماعی آورده‌اند؛ سندی برای این ادعا ندهیدم. مشهور بودن، شایستگی هنری نیست، اما مانع آن هم نیست؛ آنچه دیدم بازیگری با ظریف‌تی واقعی بود، نه چهره‌ای برای پوستر.

از سایر بازیگران نیز باید گفت که در مجموع قابل قبول‌اند؛ محمودرضا رحیمی با بیان روشن و تسلط بر متن، بیش از خودنمایی به ساختار صحنه می‌اندیشد، پیمان قریب‌پناه در مجموع دو نقش خوب و قابل قبول بود، دو نقش زن این نمایش یعنی نیلوفر هوشمند و مهسا باقری خیلی خوب از پس کار برآمدند و لحظه‌های نمایشی زیبایی را ساختند، اما گروه کاملاً هم کوک نیست و در صحنه‌های شلوغ ریتم می‌لنگد.

نادر برهانی مرند: کارگردانی در مرز سکوت و شاعرانگی

من همیشه از تماشای آثار نادر برهانی مرند لذت بردهام، اما «کوروش» بیش از بسیاری از کارهای دیگر او در ذهنم ماندگار شده است. آنچه بیش از همه تحسین برانگیز است، میزانسن‌های مینیمال و شاعرانه‌ای است که به جای انباشت عناصر تاریخی، از خلأ، سکوت، فاصله و هندسه بدن‌ها معنا می‌سازند. برهانی مرند به صحنه اعتماد دارد؛ به اینکه یک فاصله می‌تواند از دیالوگی بلند گویاتر باشد. مینیمالیسم در این اجرا، نه حاصل کمبود امکانات، بلکه انتخابی آگاهانه و زیبایی‌شناختی است؛ گویی بدن‌ها پیش از آنکه کلامی بگویند، در حال روایت کردن‌اند.

طراحی صحنه سبنا بیلاقی بیگی با پرهیز از شلوغی در خدمت همین رویکرد است و لباس آستیاگ چشمگیر است؛ اما کیفیت لباس‌ها یک‌دست نیست؛ کریم نیز در نمایش گذر زمان به دقت بیشتری نیاز دارد و نوزاد مصنوعی و سرهای آویزان چندان باورپذیر نیستند. با این همه، این کاستی‌ها از ارزش کلی اجرای‌امی‌کاهند.

امیرحسین شفیعی نیز شایسته تحسین است که چنین گروه ناب و ریشه‌داری از تئاتر را گردهم آورده است.

«کوروش» برای من نشانه تداوم خلاقیت کارگردانی است که هنوز می‌تواند با زبان صحنه غافلگیرمان کند و تصویری بسازد که پس از پایان اجرا نیز در ذهن باقی بماند.



کوروش
برای من
نشانه تداوم
خلاقیت
کارگردانی
است که هنوز

می‌تواند با
زبان صحنه
غافلگیرمان
کند و تصویری
بسازد که پس
از پایان اجرا
نیز در ذهن
باقی بماند

روزبه حصاری:

بازیگری با صدایی گیرا و قهرمانی باورپذیر

ایستادن ریز سایه اسطوره‌ای که هر تماشاگر، تصویری از درخشان‌ترین ظریف‌های بازیگری تئاتر امروز ایران است. حصاری با بدن جذاب و حضور روشن

حمیدرضا آذرنگ: تجربه‌ای که به سبک تبدیل شده است



در نهایت، هارپاک آذرنگ شاعرانه است، درست مثل خود متن؛ وزن کلام، فاصله‌گذاری‌های آهنگین و سکوت‌های حساب شده، بازی او را به نوعی شعر صحنه‌ای تبدیل می کنند، بی آنکه به تصنع برسد.

تحریف تاریخ ایران، تهدیدی علیه فرهنگ و تمدن ایرانی

دولتی محروم ساخته بودند و ایشان با لطفی که به من داشتند، پذیرفتند این کار مهم را عهده‌دار شوند.

در آن کنگره ۲۵ تن از برجستگان مطالعات هخامنشی از دانشگاه شیکاگو و دانشگاه‌های اروپایی و محققان ایرانی سخن گفتند و در پایان اجلاس از تخت جمشید دیدار داشتند.

آن سال‌ها نه‌تنها توجهی به این‌گونه مطالعات نمی‌شد، بلکه با مخالفت‌هایی هم روبه‌رو می‌شد. اینک همان دشمن تمدن‌ستیز در قالب مقالات علمی از هخامنشیان سخن می‌گوید و تاریخ را تحریف می‌کند. اگر آن مطالعات ادامه می‌یافت، چنان سخنان آشفته‌ای امکان عرضه نمی‌یافت.

خوشحالم که توجه ویژه‌ای به تاریخ‌پرافتخار ایران در کلیت و تمامیت آن شده است. از همکاران گرانقدرم میراث جهانی تخت جمشید یا پارسه بسیار سپاسگزارم و برای زنده‌یاد ارغعی احیاگر مطالعات هخامنشی، طلب رحمت و مغفرت دارم.



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



راوی سرگذشت مردم معمولی

گزیده فرج بعد از شدت در کتاب صبور مثل بذر زمستان

به انتخاب و مقدمه شمس لنگرودی



طرح مربوط به حکایت «راهزن شعر دوست حلال خور»، صفحه ۱۹۱، اثر فرشید پارسی کیا است

اسلامی است. شمس لنگرودی، شاعر و پژوهشگر معاصر، در مقدمه تأمل برانگیز خود بر این کتاب، رویکردی متفاوت را به خواننده پیشنهاد می دهد. او تأکید می کند برخلاف متون تاریخی کلاسیک که عمدتاً معطوف به شرح حال شاهان، حاکمان و سلسله های قدرت بوده اند، «فرج بعد از شدت» دریچه ای تازه رو به سوی «تاریخ مردم» می گشاید؛ تاریخی که در آن نه قدرت سیاسی، بلکه تابآوری انسان در برابر ناملایمات زندگی، محور اصلی روایت است. لنگرودی معتقد است این اثر نویدبخش راهی از خستگی های مفرط ناشی از رنج های بشری است. اگرچه شاگله اصلی کتاب بر پایه حکایت هایی از مرارت ها، ظلم های سراسر جهان و ننگنهای روزگار استوار است، اما لنگرودی آن را اثری تلخ نمی داند. برعکس، تأکید دارد هدف غایی تنوخی، گشایش در بن بست های ذهنی و روحی انسان است؛ اینکه چگونه پس از هر سختی و شدتی، گشایش فرجی متولد می شود. مقدمه شمس لنگرودی، با بیانی روشن و بی تکلف، به مثابه راهنمایی برای خوانش بهتر حکایت ها عمل می کند و مخاطب را مشتاقانه به دل روایت ها می کشاند. طبق آنچه که شمس لنگرودی در مقدمه کتاب بیان می کند؛ این اثر در نسخه کامل خود شامل حدود ۲۳۰ حکایت است که در آنها، طیف وسیعی از اقشار جامعه، بویژه بازگنان، زنان و جوانان به عنوان کنشگر اصلی هستند. حضور پررنگ این طبقات، به

کتاب ویژگی «مردم نگارانه» بخشیده و آن را از روایت های درباری متمایز می کند. نکته شگفت انگیز در کارنامه جهانی این کتاب، توجه ویژه خورخه لوئیس بورخس، نویسنده برجسته آرژانتینی، به آن است. بورخس با مطالعه این اثر شگفت انگیز، «فرج بعد از شدت» را اثری عمیق و واجد ویژگی های روایی مدرن می دانست که گویی زمان و مکان را درنوردیده است. شمس لنگرودی در تدوین «صبور مثل بذر زمستان»، با هدف توسعه مفاهیم امید و تاب آوری، از میان آن پیکره اصلی، حکایت های منتخب خود را برگزیده است. او با ظرافت و بدون آنکه به ساختار اصیل داستان ها و رزان قاضی تنوخی آسیب برساند، آنها را بازنویسی کرده تا مخاطب امروز با زبانی روان تر، پیوند عمیق تری با متن برقرار کند. نتیجه این تلاش، کتابی است که نه تنها یک اثر تاریخی، بلکه مرهمی است برای روح خسته از هیاهوی زمانه؛ اثری که به ما یادآوری می کند چگونه می توان «صبور» مثل بذر زمستان، در دل سخت ترین یخ بندها، به انتظار بهار وانه زند نشست. کتاب حاضر مجموعه ای ارزشمند شامل ۲۶ داستان و روایت کوتاه، فشرده و خواندنی است. این حکایت های پندآموز و بی همتی، از مهم ترین آثار نثر فارسی است انسانی و تربیتی ختم می شوند. یکی از ویژگی های تصویری و جذاب کتاب، وجود طرح ها و نقاشی های متناسب با موضوع در ابتدای هر روایت است؛ تصویری که ذهن مخاطب را پیش از

ادبیات کهن

غزل رضایی فانی

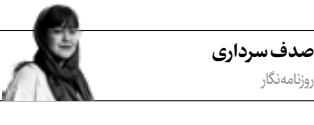
گروه کتاب

«فرج بعد از شدت» به قلم قاضی ابوعلی محسن بن علی تنوخی، ادیب و قاضی القضاات قرن چهارم هجری، نگاشته شده است. قاضی تنوخی، در خانواده ای ادیب در بغداد و جنوب ایران زندگی می کرد. او از نوجوانی با ظرایف ادبی، علوم حدیث و تفسیر قرآن مأنوس بود و با نگاهی جامع به مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود می نگریست. این پشتوانه علمی در کنار جایگاه قضاوت، به او این امکان را می داد که لایه های پنهان جامعه را در حکایت هایش بازتاب دهد. بر اساس شواهد تاریخی، ترجمه این کتاب به فارسی در دوره خوارشاهیان صورت گرفته است، هرچند گذر ایام و تاطم های سیاسی، بویژه محله مغول به ایران، سبب شد بخش های قابل توجهی از ترجمه فارسی او مفقود شود. آنچه امروز به دست ما رسیده، مجموعه ای از داستان های سرگرم کننده و گاه باورنکردنی است که در میان انبوه حکایت های اصلی محفوظ مانده اند. کتاب «صبور مثل بذر زمستان» با تصحیح و ویراستاری شمس لنگرودی، بازخوانی گزینشی و هوشمندانه از «فرج بعد از شدت» به عنوان یکی از مهم ترین متون ادبی تاریخی فرهنگ

از دل تاریخ و قصه ها

محمود دولت آبادی در دو کتاب آورده اند که ...

و حکایات بوالفضل جوانان را به خواندن ادبیات کهن دعوت می کند



صدف سدرای

روزنامه نگار

شده اند تا خواننده امروز، پیش از مواجهه بیکاره با این آثار، فرصت کند در جهان قصه ها قدم بزند و با زبان و حکایات چند قرن پیش آشنا شود.

مانوس شدن با ادبیات کلاسیک

برای محمود دولت آبادی، ادبیات همواره با تجربه زیسته پیوند داشته است. او پیش از آنکه به یکی از چهره های شناخته شده داستان نویسی ایران تبدیل شود، تجربه انجام کارهای گوناگونی را دارد. خودش از تأثیر کار بر نگاه هنری اش گفته و تأکید کرده که هنر را از کارکردن آموخته است. نوشتن نیز برای او از دل همین تجربه ها سر برآورد. مرگ برادر کوچک ترش، زخمی عاطفی بر جای گذاشت که او را به سوی ادبیات سوق داد.

حالا این نویسنده هشتاد و اندی ساله در روزهایی که برای نوشتن کتابی تازه قلم به دست نمی گیرد، دغدغه اش معرفی بخشی از میراث ادبی به خوانندگان امروز است. این مسیر البته برای او تازه نیست. «دولت آبادی پیش تر با کتاب «شا سر زلف عروسان سخن» به سراغ متون منثور فارسی رفته و گزیده ای از آثار ادبی سده های گذشته را فراهم آورده بود. اکنون دو کتاب «آورده اند که ...» و «حکایات بوالفضل» ادامه همان علاقه اند، با این تفاوت که هر کدام بر یک اثر مشخص و جهانی روایی متمرکز شده اند. اولی از میان حکایت های «هزار و یک شب» انتخاب شده و دومی بخش هایی از «تاریخ بیہقی» را در بر می گیرد؛ یکی از دل قصه و خیال می آید و دیگری از دل تاریخ و ثبت سرگذشت آدم ها.

انتخاب این دو اثر در روزگاری که خواندن کتاب های قلمور برای بخشی از مخاطبان به



حکایات بوالفضل

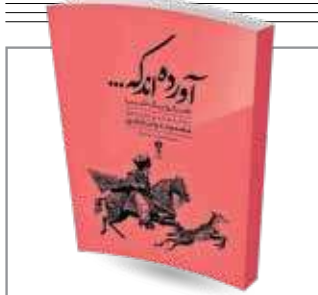
تاریخ بیہقی

- به انتخاب و مقدمه محمود دولت آبادی
- انتشارات: وزن دنیا
- تعداد صفحات: ۱۷۸ صفحه
- قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

تعهد کتبی هم گرفت، وقتی فضل برای ارائه گزارش پیش مأمون رفت، متوجه شد محمد بن یزاد دوباره بدگویی کرده و مأمون را علیه فضل شورا نه است. خلیفه عصبانی گفت که چرا فضل با عمرو مدارا کرده است؟ مأمون بلافاصله پرنده عمرو را از فضل گرفت و او را به همان محمد بن یزاد سپرد تا با شکنجه و فشار اموالش را بگیرد. محمد بن یزاد عمرو را به زیر شکنجه برد، اما دیگر چیزی باقی نمانده بود. هرچند فشار آوردند، در نهایت فقط ۳ هزار درهم گیرشان آمد. وقتی محمد بن یزاد با افتخار این مبلغ را به مأمون نشان داد، فضل با آرامش نامه تعهد ۱۰ هزار هزار درهمی را بیرون آورد و به مأمون نشان داد. در نهایت مشخص شد که رویکرد عاقلانه و انسانی فضل، بسیار بیشتر از روش شکنجه و بدخواهی محمد بن یزاد، بوده و در نهایت بدگویی و سخن چینی اش بر ضرر خودش تمام شده است و آن کسی که به اموال دولت خیانت کرده بود به سزای عمل خویش رسید.

راهزن شعر دوست

حکایت های این کتاب فقط از جوانمردی مردم عادی نمی گوید، بلکه می گوید سرشت نیک می تواند حتی در راهزنان هم خاموش نشده باشد، به عنوان مثال در یکی از حکایت های کتاب با نام «راهزن شعر دوست حلال خور» می خوانیم که روزی حارثی (کشاورز) شاعر در سفر خود همراه با گاروانی بزرگ، گرفتار راهزنان می شود که رهبری آنها به دست شخصی به نام ابن سبّاب بود. راهزنان اموال کاروان را غارت کردند، اما حارث شاعر متوجه شد که ابن سبّاب برخلاف ظاهرش، مردی باسواد و علاقه مند به شعر است. حارث شاعر برای اینکه خودی نشان دهد و از دست آنها نجات یابد، چند بیت شعر در وصف ابن سبّاب می سراید. ابن سبّاب می گوید: «معلوم نیست این شعر را خودت گفته ای؟» بنابراین از حارث خواست با وزن و قافیه ای که از خودش گفته، شعری بگوید؛ حارث نیز شعر را به خوبی می سراید. سپس ابن سبّاب، دستور می دهد اموال حارث و بارانش را پس بدهند و حتی کبش های حاوی هزار درهم از مال تجار را به او بخشید. اما حارث از حارث آن پول امتناع کرد. وقتی ابن سبّاب دلش را پرسید، حارث گفت: «حارث تفت: «این مال غصبی است و تصرف در آن را جایز نمی دانم.» ابن سبّاب به حارث می گوید: «این تاجران ذکات مال خود را پرداخت نکرده و حق فقرا را ندها ند.» حارث پرسید: «از کجا می دانی آنها ذکات ندها ند؟» در پاسخ، ابن سبّاب رسیدن به این پاسخ، از آن تاجران درباره جزئیات احکام ذکات سؤال کرد، هر کدام از آنها جواب های پریشان و متعنتی دادند که معلوم شد واقعاً ذکات مال خود را پرداخت نکرده بودند.



آورده اند که ...

- به انتخاب و مقدمه محمود دولت آبادی
- انتشارات: وزن دنیا
- تعداد صفحات: ۲۰۰ صفحه
- قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

که سرنوشته ان را سر و شکل می دهد، توجه دارد. «آورده اند که ...» و «حکایات بوالفضل» دو جهان متفاوت را کنار هم می گذارند. در یکی، قصه ای برای گریز از مرگ و ادامه زندگی است؛ در دیگری، روایت تاریخ امکان شناخت مناسبات قدرت و سرنوشته آدم ها را فراهم می کند. با این حال، هر دو از نیروی روایت بهره می برند، از اینکه آدم ها و تجربه هایشان در متن باقی بمانند و پس از گذشت قرن ها هنوز بتوانند خواننده ای را با خود همراه کنند. نشر وزن دنیا با انتشار مجموعه هایی از این دست، از جمله «نوروزنامه» حکیم خیام نیشابوری با پیشگفتاری از علی دهباشی و «صبور مثل بذر زمستان»؛ گزیده هایی از «فرج بعد از شدت» به انتخاب و مقدمه محمد شمس لنگرودی، همین دغدغه بازخوانی میراث ادبی و نزدیک کردن آن به خوانندگان امروز را دنبال می کند. اهمیت این کتاب ها بیش از آنکه در کوتاه کردن راه خواندن باشد، در دعوت به آغاز خواندن ادبیات است. دولت آبادی نیز با انتخاب این حکایت ها، کتاب های بزرگ را از جایگاه تاریخی دور و دست یافتنی پاین می آورد و آن ها را به اندازه قصه ای برای یک شب یا چند صفحه برای ساعتی خلوت، به خواننده نزدیک می کند.



صبور مثل بذر زمستان

فرج بعد از شدت

- به انتخاب و مقدمه شمس لنگرودی
- انتشارات: وزن دنیا
- تعداد صفحات: ۲۸۶ صفحه
- قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

از سوی پدر بزرگ و خاندانش زر و سیم فراوانی به عنوان پاداش این جوانمردی دریافت می کند. تلاش شمس لنگرودی در این تصحیح بر این بوده که جنبه های داستانی، پرکشش و پندآموز «فرج بعد از شدت» را پررنگ کند؛ روایتی کوتاه که پس از سختی و نومیدی، به گشایش و نیکی ختم می شوند و برای مخاطب امروز نیز پیام های ملموس انسانی دارند.

عاقبت سخن چینی و خیانت

از آنجا که روایت های کتاب اخلاقی و پندآموز هستند، سعی دارند به مخاطب این پیام را برسانند که از بدگویی، خبرچینی، فتنه گری، سخن چینی، سهل انگاری و هر گونه صفت غیر اخلاقی نا پسند دوری کنند، چرا که این ویژگی ها نه تنها خود آن شخص بدگو و خبرچین را به درد سر می اندازد بلکه آن کسی را که مورد خطاب و هدف او بوده ضرر زیادی می رساند که جبران آن به سادگی ممکن نیست. به عنوان مثال در یکی دیگر از حکایت های جذاب و خواندنی کتاب با عنوان «مأمور با تدبیر» که تلاش دارد هم خلاف صلاح مملکت خویش نباشد و هم جانب مردم خویش را بگیرد. ماجرا از جایی شروع شد که فردی به اسم محمد بن یزاد، نزد مأمون عباسی از کارگزارش، عمرو بن بهتوی، بدگویی کرد و او را به خیانت مالی متهم کرد. مأمون که بشدت عصبانی شده بود، به فضل بن مروان دستور داد عمرو را بازداشت کند، او را تحت فشار بگذارد و تا آخرین سکه اموالش را از او پس بگیرد. اما فضل بن مروان که آدم سیاستمدار و عاقلی بود، برخلاف دستور مأمون، با عمرو با احترام رفتار کرد. عمرو که از این برخورد انسانی غافلگیر شده بود، لیست تمام اموالش را که حدود ۲۰ هزار هزار درهم ارزش داشت، در اختیار فضل گذاشت. فضل با بررسی وضعیت متوجه شد که گرفتن کل اموال عمرو باعث نابودی کامل او می شود؛ بنابراین برای اینکه هم حق حکومت ضایع نشود و هم هم اضاف رعایت شود، با او به توافق رسید که ۱۰ هزار هزار درهم بپردازد و از او برای این کار

نقاط قوت این تصحیح این است که برخی واژگان کلیدی یا افعال مبهم (مانند «غجیف»، «عسکر»، «غفلی» و بسیاری واژه دیگر که در این کتاب می خوانیم) اعراب گذاری شده اند. این اقدام ویراستارانه سبب می شود که مخاطب عام با غیرمتخصص، کلمات را اشتباه نتواند و از ریتم خوانش داستان جدا نشود.

خرد مایه نجات جان انسان

درون مایه و جان مایه اصلی داستان های این کتاب، سرشار از مفاهیم اخلاقی و دربارۀ تقابل خیر و شر است. پیام محوری روایات این است که آدمی نتایج اعمال خود را دیر یا زود خواهد دید؛ بدی و ظلم بی جواب نمی ماند و در مقابل، کار خیر، نیکوکاری و جوانمردی نیز بی پاسخ نخواهد بود و برکات آن در موقعیتی غیرمنتظره به خود فرد بازمی گردد. به عنوان نمونه، یکی از حکایت های برجسته کتاب، داستان پیرمرد خردمندی از دیار روم را روایت می کند. در جریان یکی از جنگ های تاریخی با رومیان، سپاه قسملسه بن عبدالملک اسیران فراوانی می گیرند و فرمانده قصد داشت آنها را دارد. در میان اسیران، پیرمرد کهنسال و دانایی از رومیان از مسله مهلت می خواهد و با او پیمان می بندد که اگر اجازه دهد برود، در ازای آزادی خود، دو اسیر جوان مسلمان را از بند نجات داده و بازگرداند. مسله برای پذیرش این درخواست شرط می گذارد و از او ضامن می طلبد. پیرمرد در میان سپاه مسلمانان می گردد تا ضامنی یابد. در این میان، جوانی پاک نهاد از قبیله بنی کلاب، تنها با دیدن چشم های امیدوار پیرمرد و بدون آنکه او را شناسد یا از سرنوشته خود اطلاعی داشته باشد، ضمانت جان او را قبول می کند. پیرمرد می رود و برخلاف تصور همگان، روز بعد به قول خود وفا کرده و همراه با دو اسیر مسلمان بازمی گردد. ادامه ای ماجرا پرده از رازی شگفت انگیز برمی دارد؛ وقتی پیرمرد، آن جوان را برای سیاست گزاری به قلعه و دیار خود می برد، مشخص می شود که این پیرمرد رویی در واقع پدر بزرگ واقعی همان جوان مسلمان است. مادر این جوان که زنی رومی بوده، سال ها پیش، بهرامی یکی از جنگ های قدیمی اسیر شده، به دیار مسلمانان آمده و از خانواده رومی خود جدا افتاده بود. به این ترتیب، جوان با این اقدام نیکو بی خمنده است، هم خانواده مادری و پدر بزرگ گمشده او را پس از سال ها پیدا می کند و هم



شمس لنگرودی معتقد است این اثر نویدبخش راهی از خستگی های مفرط ناشی از رنج های بشری است. اگرچه شاگله اصلی کتاب بر پایه حکایت هایی از مرارت ها، ظلم های سراسر جهان و ننگنهای روزگار استوار است، اما لنگرودی آن را اثری تلخ نمی داند

دولت آبادی به «هزار و یک شب» می آید. کتابی که او حتی گاهی شب ها پیش از خواب چند داستان از آن می خوانده است. این عادت خواندن، به گفته خودش، با پیشنهاد نشر وزن دنیا برای انتخاب حکایت هایی کوتاه همراه شد و سرانجام به شکل کتاب درآمد. در آن زمان، مجموعه به شمار می رود. «هزار و یک شب» مجموعه ای از روایت هایی با ریشه های گوناگون هندی، ایرانی و عربی است که به هم پیوند می خورند. چنان که در روایت مشهور «هزار و یک شب» می دانیم، سرزاد هر شب قصه ای برای پادشاه می گوید و با ناتمام گذاشتن آن، فرصت

می یابد شب دیگری زنده بماند. روایت گری در این کتاب از همان آغاز با مساله مرگ و زندگی گره خورده است. قصه گفتن راهی برای به تعویق انداختن مرگ است و شنیدن داستان، پادشاه را به ادامه دادن زندگی زنی وادار می کند که قرار بوده

از افسون شهرزاد تا خرد بیہقی انتخاب «آورده اند که ...» از علاقه دیرینه



● خبر خودرو

پلتفرم مشترک

راه کاهش هزینه تولید خودرو



سعید مدنی، کارشناس صنعت خودرو، معتقد است همکاری ایران خودرو و سایپا در توسعه پلتفرم مشترک می‌تواند هزینه‌های تولید را کاهش و توان خودروسازان داخلی برای مقابله با تحریم‌ها را افزایش دهد. سعید مدنی با اشاره به ضرورت همکاری خودروسازان داخلی در طراحی و توسعه پلتفرم‌های مشترک، این رویکرد را یکی از راهکارهای راهبردی برای کاهش هزینه‌های سربار و افزایش تاب‌آوری صنعت خودرو در برابر تحریم‌ها دانست.

او با اشاره به تجربه همکاری‌های پیشین میان ایران‌خودرو، سایپا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و شرکت رنو گفت: «قراردادهای چندجانبه‌ای که با هدف تولید خودروهایی مانند تندر ۹۰ منعقد شد، نمونه‌ای از این همکاری‌ها بود که به هماهنگی فنی و پیشبرد برنامه‌های ساخت داخل کمک کرد.»

این کارشناس صنعت خودرو با بیان اینکه طراحی پلتفرم از مراحل اولیه تا ساخت قالب‌ها و انطباق با استانداردها هزینه‌های سنگینی به همراه دارد، توضیح داد: «تقسیم این هزینه‌ها میان دو خودروساز بزرگ می‌تواند قیمت تمام‌شده محصولات را کاهش دهد. به گفته او، با وجود تجربه طراحی خودروهایی مانند شاهین، تارا و سمند در داخل کشور، استفاده از پلتفرم مشترک می‌تواند در شرایط فعلی راهکار مؤثرتری برای مدیریت هزینه‌ها باشد.»

به گزارش ایسنا، مدنی تأکید کرد: «بخش‌های اصلی خودرو، از جمله موتور، گیربکس، اکسل و شاسی، قابلیت اشتراک‌گذاری دارند؛ درحالی‌که خودروسازان می‌توانند با حفظ هویت برند خود، طراحی بدنه و فضای داخلی متفاوتی برای محصولات‌شان در نظر بگیرند. حتی می‌توان در مرحله اول یک محصول مشترک تولید کرد و پس از کاهش هزینه‌های اولیه، مدل‌های متنوع‌تری را بر پایه همان پلتفرم توسعه داد.»

او همچنین نقش ایدرو را در اجرای این طرح مهم دانست و گفت: «این سازمان می‌تواند بدون ورود مستقیم به تصدی‌گری، مسئولیت نظارت و هماهنگی میان خودروسازان را برعهده بگیرد و زمینه همکاری بیشتر را فراهم کند.»

● ماشین وارداتی

دو کراس‌اوور اوپل یک قدم به بازار ایران نزدیک‌تر شدند



مسیر ورود خودروهای اوپل به بازار ایران با ثبت دو تأییدیه جدید ادامه پیدا کرده است. براساس اسناد منتشرشده، اوپل گردنلند مدل ۲۰۲۶ و اوپل موگا مدل ۲۰۲۵ تأیید نوع دریافت کرده‌اند؛ مجوزی که امکان پیگیری مراحل بعدی واردات را فراهم می‌کند، اما هنوز نمی‌توان آن را به معنای آغاز عرضه این دو کراس‌اوور در بازار دانست. در مدارک مربوط به هر دو خودرو، شرکت استلاتینس به عنوان تولیدکننده ثبت شده و این مدل‌ها در رده خودروهای سواری کلاس M1 قرار گرفته‌اند.

جزئیات اسناد نشان می‌دهد گردنلند ۲۰۲۶ با کد مدل HPY1-B1AM00 و پیش‌شماره شناسایی VXXKAH ثبت شده است. گواهی انطباق ایمارک این خودرو تا اول دی‌ماه ۱۴۰۶ اعتبار دارد، هرچند نوع تأییدیه این موقت اعلام شده است. در مقابل، موگا مدل ۲۰۲۵ با کد HN5S-51G500 و پیش‌شماره شناسایی VXXKUSH در مدارک رسمی درج شده و اعتبار گواهی ایمارک آن تا اول دی‌ماه ۱۴۰۵ ادامه دارد. این تفاوت در مشخصات اسناد، نشان می‌دهد که هر خودرو با مدارک و شرایط تأیید مربوط به خود بررسی شده است.

در میان این دو مدل، گردنلند از نظر فنی با نسل تازه‌ای از محصولات اوپل شناخته می‌شود. این کراس‌اوور بر پایه پلتفرم STLA Medium توسعه‌یافته و در یکی از نسخه‌های خود به سامانه هیبریدی خفیف ۴۸ ولتی مجهز است. ترکیب موتور بنزینی سه سیلندر ۱.۲ لیتری توربوشارژ با یک موتور الکتریکی کوچک، بخشی از تلاش سازنده برای کاهش مصرف سوخت و بهبود عملکرد در مسیرهای شهری است.

مجموعه محرکه این نسخه، با بهرام‌هی جعبه‌دنده شش‌سرعته دوکلاچه برقی، در مجموع ۱۲۶ اسب بخار قدرت و ۲۳۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. سهم موتور الکتریکی از این مجموعه حدود ۲۸ اسب بخار قدرت و ۵۵ نیوتن‌متر گشتاور است. سامانه برقی می‌تواند هنگام شروع حرکت و در برخی شرایط رانندگی شهری به موتور بنزینی کمک کند و فشار وارد بر آن را کاهش دهد.

با وجود ثبت تأیید نوع، هنوز جزئیات روشنی از زمان ورود، تعداد خودروهای قابل عرضه و قیمت احتمالی گردنلند و موگا در ایران اعلام نشده است. بنابراین، باید دید این دو کراس‌اوور پس از عبور از مراحل اداری و گمرکی، چه زمانی به مرحله عرضه واقعی خواهند رسید.

ترغیب مردم به استفاده از خودروی برقی در کیش

طرح رایگان سازی شارژ خودروهای برقی تا پایان سال ۱۴۰۵ اعتبار دارد



● گزارش

یاسمن صادقی شیرازی

گروه خودرو

در کیش قرار است بخشی از رفت‌وآمد روزانه، بی‌نیاز از بنزین باشد. جزیره‌ای که پاک‌ماندنش یکی از امتیازهای آن است، حالا می‌خواهد با گسترش خودروهای برقی، از این امتیاز بیشتر مراقبت کند.

سازمان منطقه آزاد کیش هزینه شارژ خودروهای برقی را تا پایان سال ۱۴۰۵ رایگان و اعلام کرده توسعه این خودروها در ناوگان حمل‌ونقل عمومی را دنبال می‌کند.

در حال حاضر ۲۱۰ خودروی برقی در جزیره تردد می‌کنند و ۱۱۰ خودروی دیگر در انتظار طی شدن مراحل قانونی پلاک‌گذاری هستند.

با این همه، رایگان شدن شارژ فقط یک سوی ماجراست؛ از سوی دیگر، زیرساختی است که باید همپای افزایش خودروها گسترش پیدا کند. آیا ایستگاه‌های موجود جوابگوی ناوگانی بزرگ‌تر خواهند بود؟ برق مورد نیاز از کجا تأمین می‌شود و حمایت از خودروهای برقی در سال آینده چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟

سیدحسین احمدنژاد، سرپرست روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد کیش، در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» به این پرسش‌ها پاسخ داده است.

● ترجمه

گروه خودرو

فولکس‌واگن سرانجام جایگزین ID.4 را معرفی کرد؛ خودرویی که قرار است مسیر متفاوتی نسبت به اولین شاسی‌بلندهای برقی این شرکت در پیش بگیرد. ID.4 Tiguan به‌تنها جای ID.4 را در سید محصولات فولکس‌واگن می‌گیرد، بلکه در بازار اروپا جانشین ID.5 نیز خواهد شد. این شاسی‌بلند برقی با طراحی سنتی‌تر کابینی بازطراحی‌شده و مجموعه‌ای از امکانات جدید، اوایل سال ۲۰۲۷ در آلمان و دیگر بازارهای اروپایی عرضه خواهد شد.

البته نام تیگوان به‌طور کامل از پیش‌رانه‌های بنزینی و دیزلی خداحافظی نمی‌کند. نسخه‌های مجهز به موتورهای درون‌سوز و مدل‌های هیبریدی تیگوان همچنان در کنار نسخه تمام‌برقی تولید و عرضه خواهند شد.

خداحافظی با ظاهر نرم ID.4

فولکس‌واگن در طراحی ID.4 Tiguan مسیر متفاوتی را انتخاب کرده است. برخلاف ظاهر نسبتاً نرم و کراس‌اوورمانند ID.4 و ID.5، محصول جدید فرم جعبه‌ای‌تر و عضلانی‌تری دارد. خطوط تیزتر بدنه، گلگیرهای برجسته‌تر سطوح حجیم‌تر باعث شده‌اند این خودرو بیشتر از یک کراس‌اوور شهری، شمایل یک شاسی‌بلند واقعی را به خود بگیرد. یکی از نکات جالب در طراحی بیرونی، بازگشت دستگیرهای سنتی درهاست. فولکس‌واگن این بار سراغ دستگیره‌های کشیدنی معمولی رفته تا علاوه بر ساده‌تر شدن استفاده، حس آشناتری به خودرو بدهد. اما تغییرات اساسی‌تر را باید داخل کابین جست‌وجو کرد؛ جایی که فولکس‌واگن تلاش کرده یکی از مهم‌ترین انتقادهای واردشده به نسل اول خودروهای برقی خانواده ID را برطرف کند.

از نوسازی تاکسی‌ها تا خودروهای شخصی

احمدنژاد حفظ موقعیت زیست‌محیطی کیش را یکی از اهداف مدیریت فعلی منطقه آزاد می‌داند. به گفته او، «کیش از مناطق پاک کشور و دنیا از نظر آلاینده‌ی به‌شمار می‌رود و برنامه نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی نیز با توجه به همین ملاحظه، از حدود دو سال پیش در دستور کار قرار گرفته است.»

او می‌گوید: «استفاده از خودروهای برقی یکی از مسیرهایی است که برای نوسازی این ناوگان انتخاب شده است. اکنون ۲۱۰ خودروی برقی در جزیره رفت‌وآمد می‌کنند و مراحل قانونی پلاک‌گذاری ۱۱۰ خودروی دیگر نیز در جریان است.» احمدنژاد فراهم شدن زیرساخت‌هایی مانند ایستگاه‌های شارژ را از عوامل مؤثر در گسترش استفاده از این خودروها می‌داند؛ هرچند افزایش تعداد خودروها، به‌تدریج نیاز به خدمات و امکانات بیشتری را هم به همراه خواهد داشت.

شارژ رایگان؛ امتیازی با تاریخ انقضا؟

سازمان منطقه آزاد کیش برای ترغیب مردم به استفاده از خودروهای برقی، هزینه شارژ را فعلاً دوش مالکان برداشته است. از مجموع ۹ نازل شارژ فعال در جزیره، پنج نازل متعلق به این سازمان تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. کیش حالا بخشی شخصی و تاکسی‌ها در این ایستگاه‌ها تا پایان سال ۱۴۰۵ رایگان خواهد بود.

احمدنژاد می‌گوید: «احتمال ادامه این خدمات در سال آینده نیز وجود دارد، اما هنوز تصمیم قطعی در این زمینه اعلام نشده است.»

رایگان بودن شارژ می‌تواند هزینه استفاده از خودروهای برقی را کاهش دهد، اما معلوم نیست به‌تنهایی تا چه اندازه بتواند مردم را به انتخاب این خودروها ترغیب کند. قیمت خرید، دسترسی به ایستگاه‌ها و زمان مورد نیاز برای شارژ نیز در این انتخاب نقش دارند. از این منظر، ادامه طرح و چگونگی گسترش آن می‌تواند در تعیین مسیر آینده خودروهای برقی در جزیره مؤثر باشد.

۹ نازل برای چند خودروی برقی؟

با افزایش تعداد خودروهای برقی، مسأله فقط فراهم بودن امکان شارژ نیست؛ این امکان باید در زمان و مکان مناسب هم در دسترس باشد. به گفته احمدنژاد، «ظرفیت نازل‌های فعال بین ۶۰ تا ۱۲۰ کیلووات است و سرعت شارژ به مدل خودرو بستگی دارد.»

برنامه این سازمان برای توسعه ایستگاه‌ها نیز به افزایش تعداد خودروها گره خورده است. به احمدنژاد می‌گوید: «ایجاد ایستگاه‌های تازه

و توزیع مناسب آنها در نقاط مختلف جزیره، متناسب با رشد ناوگان انجام خواهد شد.» این اطلاعات نشان می‌دهد توسعه خودروهای برقی با چه سرعتی پیش خواهد رفت.

برق هست اگر خودروها بیشتر شوند چه؟

هرچه تعداد خودروهای برقی بیشتر شود، تأمین برق مورد نیاز ایستگاه‌ها نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. احمدنژاد در پاسخ به نگرانی درباره ظرفیت شبکه برق می‌گوید: «نبرگاه‌های کیش در حال توسعه و افزایش ظرفیت هستند و پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین برق ایستگاه‌های شارژ انجام شده است و در این زمینه مشکلی وجود ندارد.»

سرپرست روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد کیش تأکید می‌کند: «این جزیره می‌تواند به الگویی برای توسعه خودروهای برقی و ایجاد زیرساخت‌های لازم در کشور تبدیل شود.»

الگو شدن به این سادگی اتفاق نمی‌افتد

اما الگو شدن، با اعلام یک برنامه یا رایگان کردن یک خدمت اتفاق نمی‌افتد. باید دید شمار خودروهای برقی در سال‌های آینده چقدر افزایش پیدا می‌کند، ایستگاه‌های شارژ با چه سرعتی به ناوگان اضافه می‌شوند و حمایت مالی سازمان تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. کیش حالا بخشی از مسیر را آغاز کرده است؛ آزمون اصلی زمانی خواهد بود که تعداد خودروها بیشتر شود و زیرساخت‌ها ناچار باشند خود را با این تغییر هماهنگ کنند.



برش

تیگوان با چهره‌ای خشن‌تر می‌آید

فولکس‌واگن ID.4 کنار می‌رود



بازگشت دکمه‌های فیزیکی

کابین ID.4 Tiguan قرار است ترکیبی از فناوری‌های مدرن و کنترل‌های آشنا باشد. فولکس‌واگن در این خودرو بسیاری از کنترل‌های مهم را دوباره به دکمه‌های فیزیکی سپرده است. تنظیم سیستم تهویه مطبوع از طریق کنترل‌های معمول انجام می‌شود و روی فرمان نیز دکمه‌های فیزیکی جای کنترل‌های لمسی را گرفته‌اند.

در کنسول میانی هم یک کنترل‌لروانی قرار دارد که وظیفه تنظیم صدای سیستم صوتی و جابه‌جایی بین آهنگ‌ها یا ایستگاه‌های رادیویی را برعهده دارد. این تغییرات شاید در نگاه اول ساده به نظر برسند، اما در واقع پاسخی مستقیم به انتقادهایی هستند که کاربران نسبت به کنترل‌های لمسی مدل‌های قبلی فولکس‌واگن داشتند.

سه انتخاب برای قلب برقی

ID.4 Tiguan در بازار اروپا با سه ترکیب مختلف از باتری و قوای محرکه عرضه خواهد شد. نسخه پایه به باتری ۵۸ کیلووات‌ساعتی و موتور برقی با قدرت ۱۸۸ اسب‌بخار مجهز است و نیروی خود را به چرخ‌های عقب می‌فرستد.

نسخه دوم از باتری ۷۷ کیلووات‌ساعتی استفاده می‌کند و با ۲۸۱ اسب‌بخار قدرت، همچنان دیفرانسیل عقب است. قدرتمندترین نسخه نیز همین باتری را دارد، اما با تولید ۲۹۵ اسب‌بخار، نیروی خود را به هر چهار چرخ منتقل می‌کند. بسته به نسخه انتخابی، حداکثر برد حرکتی ID.4 Tiguan به حدود ۶۰۰ کیلومتر می‌رسد؛ رقمی که از اساس چرخه آزمایش اروپایی اعلام شده است.

شاسی‌بلندی که یک‌دک هم می‌کشد

فولکس‌واگن در نسل جدید تنها روی افزایش برد تمرکز نکرده و توانایی یک‌کشی خودرو را نیز ارتقا داده است. نسخه مجهز به باتری ۵۸ کیلووات‌ساعتی می‌تواند تا ۱۸۰۰ کیلوگرم بار را یک‌بکشد، در حالی که دو نسخه ۷۷ کیلووات‌ساعتی توانایی کشیدن بار تا ۲۰۰۰ کیلوگرم را دارند.



● تاریخچه شرکت‌ها

مینی؛ کوچکی که بزرگ شد

از خودروی مردمی بریتانیا تا برند شهری BMW



داستان مینی از سال ۱۹۵۹ شروع شد؛ زمانی‌که بریتانیا با بحران سوخت و نیاز به خودروهای کوچک و اقتصادی روبه‌رو بود.

الک ایسیگونیس، مهندس بریتانیایی مأمور شد خودرویی طراحی کند که با ابعادی جمع‌وجور، بیشترین فضای ممکن را در اختیار سرنشینان قرار دهد. راه‌حل او ساده به نظر می‌رسید، اما یکی از مهم‌ترین تغییرات تاریخ صنعت خودرو بود؛ موتور به صورت عرضی در جلو قرار گرفت و چرخ‌ها تا حد امکان

به گوشه‌های بدنه نزدیک شدند. نتیجه، خودرویی کوچک با فضای داخلی قابل توجه و طراحی متمایز بود. نخستین مینی در ۲۶ اوت ۱۹۵۹ توسط شرکت بریتیش موتور کوپرویرشن معرفی شد. خودرو در ابتدا با نام‌های موريس مینی ماینر و آشتین مینی به بازار آمد، اما به‌تدریج نام Mini به هویت اصلی آن تبدیل شد.

مینی قرار بود خودرویی اقتصادی برای استفاده روزمره باشد، اما خیلی زود به بخشی از فرهنگ عامه بریتانیا تبدیل شد.

از شهر تا پیست

یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ مینی با ورود جان کوپر-رقم‌خورد. کوپر توانایی‌های دینامیکی مینی را دید و معتقد بود این خودروی کوچک می‌تواند در مسابقات نیز حرفی برای گفتن داشته باشد. حاصل این همکاری، تولد مینی کوپر در سال ۱۹۶۱ بود. موفقیت در مسابقات، چهره مینی را تغییر داد.

پیروزی پدی هایپرک در رالی مونت کارلو ۱۹۶۴ با مینی کوپر، نام این خودرو را در جهان خودرو تثبیت کرد. مینی در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۷ نیز در همین رالی به پیروزی رسید و نشان داد یک خودروی کوچک شهری می‌تواند رقیبی جدی برای خودروهای بزرگ‌تر باشد.

چهار دهه ماندگاری

مینی کلاسیک برخلاف بسیاری از خودروهای هم‌دوره خود، برای مدت بسیار طولانی با همان هویت اولیه تولید شد.

طی دهه‌های بعد نسخه‌های متنوعی از آن از جمله استیشن، وانت، ون و کاتورتیبل ساخته شد. در نهایت مینی به مجموعه رور رسید. در سال ۱۹۹۴، BMW گروه رور را خرید و مینی نیز در مالکیت این شرکت آلمانی قرار گرفت. BMW سپس مینی را به عنوان یک برند مدرن بازتعریف کرد.

تولد دوباره زیر پرچم BMW

نسل جدید مینی در سال ۲۰۰۰ معرفی شد و تولید آن از ۲۶ آوریل ۲۰۰۱ در کارخانه آکسفورد آغاز شد. طراحی نسل جدید از مینی کلاسیک الهام گرفته بود و محصولی کاملاً مدرن بود.

این خودرو به خانواده‌ای از محصولات تبدیل شد؛ از کلاسیک تا کانتریمن. مینی کوپر به نمادی از ترکیب طراحی بریتانیایی و مهندسی مدرن BMW تبدیل شد. ویژگی‌هایی مانند فرمان‌پذیری تند و حس رانندگی شبیه خودروهای کارتینگ، همچنان در هویت محصولات مینی حفظ شد؛ خودروها نیز بزرگ‌تر و مجهزتر شدند.

مینی در عصر برقی

مینی مسیر برقی شدن و دیجیتالی شدن را جدی‌تر دنبال کرده است. مدل کوپر SE و نسل جدید کوپر با نسخه‌های برقی و بنزینی، بخشی از این تحول هستند. در کنار آن، کانتریمن با ابعاد بزرگ‌تر، مینی را وارد رقابت جدی‌تری در بازار خودروهای کراس‌اوور کرده است.

سال ۲۰۲۶ برای این برند اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ۲۵ سال از آغاز تولید مینی مدرن زیر پرچم BMW می‌گذرد. شرکت تلاش دارد فرمول اصلی برند را حفظ کند؛ خودرویی با ابعاد نسبتاً جمع‌وجور و تجربه رانندگی متفاوت.

مینی در ایران

حضور مینی در ایران در مقایسه با BMW هیچ‌گاه گسترده نبود، اما این برند در مقطعی از مسیر واردات رسمی نیز عبور کرد. پرشیا خودرو، که در بازار ایران با محصولات BMW شناخته می‌شد، در سال ۱۳۹۶ عرضه رسمی محصولات مینی را آغاز کرد و مدل‌های Cooper، Clubman و Countryman را در برنامه فروش قرار داد.

اولین خودروهای ثبت‌نام‌شده نیز در سال ۱۳۹۸ به مشتریان تحویل داده شدند. با این حال، مینی نتوانست در ایران به یک برند فراگیر تبدیل شود. قیمت بالای خودروهای وارداتی، محدودیت‌های تجاری و دشواری تأمین قطعات و خدمات تخصصی، بازار آن را محدود کرد. با وجود این، طراحی متفاوت و شخصیت خاص مینی باعث شد کوپر در میان علاقه‌مندان خودروهای خاص جایگاه خود را پیدا کند.

در سال‌های بعد نیز نام برخی مدل‌های مینی در فهرست خودروهای قابل واردات به ایران دیده شد، اما شرایط متغیر واردات مانع از شکل‌گیری حضور پایدار و گسترده این برند در بازار کشور شد. این مسیر نشان می‌دهد مینی بیش از آنکه یک مدل باشد، یک زبان طراحی است؛ زبانی که در هر نسل تلاش کرده گذشته را حفظ کند و همزمان با تغییر سلیقه مشتریان، فناوری و الزامات بازار، شکل پیدا کند.

منبع: BMW Group و MINI
بخش تاریخچه و میراث برند

مدیر جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با «ایران» از پیش‌بینی برداشت ۲۴ هزار تن گردو از باغات خبر داد

افزایش ۲۰ درصدی برداشت گردو در توپسرکان



در حال حاضر قیمت گردوی تازه با پوست سبز در باغ حدود ۲۰۰ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم است و برگزاری جشواره‌ها و افزایش ارتباط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده موجب شده بخشی از مشتریان به‌صورت مستقیم با باغداران ارتباط برقرار کرده و محصول را از باغ خریداری کنند.



کشاورزی شهرستان توپسرکان با اشاره به ظرفیت این شهرستان در تولید گردو گفت: «در حال حاضر حدود ۸ هزار و ۳۰۰ هکتار از باغات شهرستان به کشت گردو اختصاص دارد و بخش عمده این باغ‌ها قدیمی و دارای سابقه طولانی هستند؛ به گونه‌ای که برخی درختان گردوی توپسرکان قدمتی بیش از ۴۵۰ سال دارند.» وی افزود: «شرایط اقلیمی و کوهستانی توپسرکان، همراه با ویژگی‌های محیطی منطقه زمینه مناسبی برای تولید گردو فراهم کرده و همین شرایط موجب شده گردوی این شهرستان از نظر کیفیت، مرغوبیت و میزان تولید، جایگاه قابل توجهی در کشور داشته باشد. این ظرفیت در سال‌های گذشته نیز مورد توجه قرار گرفته و باغ‌های گردوی توپسرکان در نظام‌های مرتبط با میراث کشاورزی نیز مطرح بوده‌اند.» اصغری درباره وضعیت سطح باغ‌های گردو در شهرستان اظهار کرد: «سطح زیرکشت فعلی حدود ۸ هزار و ۳۰۰ هکتار است و تغییر محسوسی نسبت به سال‌های گذشته نداشته است. البته در فرآیند اصلاح و احیای باغ‌ها، ممکن است بخشی از درختان به دلیل بروز تنش‌های محیطی، شرایط نامناسب‌آبی یا مسائل فنی حذف شوند، اما سطح کلی باغ‌های گردوی شهرستان همچنان در همین محدوده قرار دارد.»

رشد ۲۰ درصدی تولید گردو

اصغری، مدیرجهاد کشاورزی شهرستان

محصول، فعالیت‌های مرتبط با فرآوری، عرضه و خرید و فروش نیز افزایش پیدا می‌کند. برگزاری جشواره گردو نیز یکی از برنامه‌هایی است که با هدف معرفی ظرفیت‌های تولیدی، اقتصادی و گردشگری شهرستان دنبال می‌شود.» مدیر جهاد کشاورزی شهرستان توپسرکان با اشاره به برگزاری سیزدهمین جشنواره گردو در شهرستان افزود: «این جشنواره در کنار برنامه‌های فرهنگی و همایش‌ها، گردوکنانی سنتی، بازدید از باغ‌ها و معرفی صنایع جانبی مرتبط با محصول نیز در دستورکار قرار دارد. این برنامه‌ها فرصتی برای ارتباط مستقیم گردشگران و خریداران با باغداران و معرفی محصول تولیدشده در شهرستان فراهم می‌کند.» اصغری درباره قیمت گردو در زمان برداشت نیز گفت: «در حال حاضر قیمت گردوی تازه با پوست سبز در باغ حدود ۲۰۰ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم است و برگزاری جشواره‌ها و افزایش ارتباط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده موجب شده بخشی از مشتریان به‌صورت مستقیم با باغداران ارتباط برقرار کرده و محصول را از باغ خریداری کنند.»

«فرآوری» حلقه مفقوده گردو

مدیرجهاد کشاورزی شهرستان توپسرکان یکی از مهم‌ترین موضوعات پیش روی صنعت گردوی توپسرکان را توسعه فرآوری و بسته‌بندی محصول عنوان کرد و افزود: «در حال حاضر بخش قابل توجهی از نامناسب در زمان کرده‌افشانی یا وقوع سرمازدگی می‌تواند عملکرد باغ‌ها را کاهش دهد، اما امسال شرایط بارندگی مناسب‌تر بود و خسارت سرمازدگی نیز نسبت به برخی سال‌های گذشته کاهش یافت. مجموعه این عوامل در بهبود عملکرد باغ‌های گردو مؤثر بوده است.» اصغری درباره ظرفیت افزایش بهره‌وری باغ‌های گردو در توپسرکان نیز اظهار کرد: «امین‌گین عملکرد حدود ۲۰ تن در هکتار است، البته در باغ‌های نمونه و مدیریت‌شده، ظرفیت تولید به‌مراتب بالاتر است.» به گفته وی، در سال‌های گذشته باغدار نمونه کشوری توپسرکان توانسته در سطحی یک هکتاری، عملکردی نزدیک به ۶ تن و ۲۰۰ کیلوگرم در هکتار به ثبت برساند که نشان‌دهنده ظرفیت افزایش بهره‌وری در باغ‌های این شهرستان است. وی در ادامه درباره وضعیت برداشت گردو گفت: «فصل برداشت گردو در توپسرکان به‌سمت فرآوری و بسته‌بندی برای باغداران تشریح شده است.» مدیرجهاد



اسکله‌های صیادی ومراکز عرضه فرآورده‌های خام دامی حضور دارند و سلامت محصول را در تمام زنجیره تولید تا مصرف رصد می‌کنند.» فخرآبادی افزود: «در یک سال گذشته حدود ۲۶ هزار رأس دام در کشتارگاه‌های استان تحت نظارت شرعی و بهداشتی دامپزشکی ذبح شد؛ همچنین نزدیک به ۲۰ میلیون قطعه طیور در کشتارگاه‌های استان تحت نظارت‌های بهداشتی قرار گرفته و میزان جوجه‌ریزی به حدود ۲۵ میلیون قطعه رسید که با اجرای برنامه‌های پایش و مراقبت، سال آramی از نظر بیماری‌های طیور پشت سرگذاشتیم.» وی ادامه داد: «حدود ۱۹ میلیون دوز واکسن برای پیشگیری از بیماری‌های طیور در استان تأمین و در واحدهای مختلف استفاده شد.» فخرآبادی تأکید کرد: «انتخاب مهر دامپزشکی در تجارت بین‌المللی اهمیت زیادی دارد و هیچ فرآورده خام دامی بدون بررسی‌های بهداشتی و تأیید دامپزشکی امکان ورود، خروج یا عبور ایمن از مرزهای کشور را ندارد.» وی افزود: «در یک سال گذشته ۲۳ مرکز دارای کدهای صادراتی در استان مورد پایش قرار گرفتند

باغدار در سامانه‌های مرتبط با حوزه باغبانی شهرستان ثبت شده‌اند که بخش قابل توجهی از فعالیت اقتصادی خانوارهای منطقه به باغداری و تولید گردو وابسته است. این اشتغال تنها به مرحله تولید محدود نمی‌شود و پس از برداشت نیز زنان و دیگر اعضای خانواده در فعالیت‌هایی مانند فرآوری و آماده‌سازی محصول مشارکت دارند.» وی افزود: «حدود ۲۵۰ واحد صنفی در شهرستان در حوزه خرید و فروش فروشگاه‌های مجازی نیز به عرضه این محصول مشغول هستند. توسعه فروش مستقیم و مجازی می‌تواند ارتباط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده را تقویت کند و بخشی از هزینه‌های واسطه‌ای را کاهش دهد.» اصغری در پایان با اشاره به جایگاه گردوی توپسرکان در برنامه‌های معرفی ظرفیت‌های کشاورزی و گردشگری شهرستان گفت: «ثبت و معرفی این ظرفیت در سطح ملی و بین‌المللی، علاوه بر مسئولیت برای حفظ کیفیت محصول، فرصت مناسبی برای توسعه گردشگری کشاورزی، معرفی باغ‌های سنتی و تقویت زنجیره اقتصادی گردو فراهم کرده است. استمرار این جایگاه نیازمند توجه همزمان به حفظ باغ‌های قدیمی، افزایش بهره‌وری، توسعه صنایع فرآوری، کاهش حوادث برداشت و ایجاد بازارهای جدید برای محصول است.»

خرید، موضوع اجاره تجهیزات نیز مطرح شده، اما هنوز این روش به شکل گسترده اجرایی نشده است.»

ضرورت فرهنگ‌سازی برای ایمنی باغداران

مدیرجهاد کشاورزی شهرستان توپسرکان بر ضرورت تبدیل استفاده از تجهیزات ایمنی به یک فرهنگ در میان باغداران تأکید کرد و گفت: «همان‌طور که استفاده از کمربند ایمنی در خودرو یا فرهنگ‌سازی و اجرای الزامات قانونی به یک رفتار عمومی تبدیل شد، در باغ‌های گردو نیز باید به نقطه‌ای برسیم که بدون تجهیزات ایمنی، فرد اجازه صعود از درخت نداشته باشد. در کنار آموزش، فرهنگ‌سازی و نظارت نیز باید تقویت شود.»

اصغری همچنین بیمه باغداران و فعالان این حوزه را یکی دیگر از ابزارهای کاهش تبعات حوادث دانست و اظهار کرد: «کارگزاری‌های بیمه در سطح شهرستان اطلاع‌رسانی لازم را انجام داده‌اند و باغداران می‌توانند براساس تعداد درختان و نوع پوششش مورد نیاز، باغ خود را بیمه کنند. همچنین امکان بیمه حوادث فردی باغدار یا فرد فعال در باغ نیز وجود دارد تا در صورت وقوع حادثه، بخشی از خسارت جبران شود.» مدیر جهاد کشاورزی شهرستان توپسرکان درباره اشتغال ایجادشده در بخش گردو نیز گفت: «حدود ۸ هزار

گردوکنانی با ۹۵ مصدوم و ۲ فوتی

آغاز فصل برداشت گردو هر سال با افزایش حوادث ناشی از سقوط از درخت همراه است. طبق گفته «محمد ربیع گیانه» رئیس مرکز اورژانس ۱۱۵ و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی همدان، در بازه زمانی ۲۰ شهریور تا ۲ مهر ۱۴۰۵، در پی حوادث ناشی از سقوط از درخت گردو در باغات استان همدان، ۹۵ نفر مصدوم و دو نفر جان خود را از دست دادند. وی با بیان اینکه در این بازه زمانی، تیم‌های درمانی اورژانس ۱۱۵ با حضور در محل حوادث، خدمات فوریته‌های پزشکی را به مصدومان ارائه کردند، ادامه داد: «شهرستان توپسرکان، به عنوان پایتخت گردوی ایران، با ۴۰ مصدوم و دو فوتی بیشترین آمار حوادث سقوط از درخت گردو را به خود اختصاص داده است.» وی در ادامه آمار مصدومان سایر شهرستان‌ها را نیز اعلام کرد و گفت: «در این مدت در شهرستان همدان ۱۴ نفر، ملایر ۲۵ نفر، نهاوند ۱۷ نفر و بهار یک نفر بر اثر سقوط از درخت گردو مصدوم شده‌اند. رئیس مرکز اورژانس ۱۱۵ همدان تأکید کرد: «رعایت اصول ایمنی هنگام برداشت محصول و پرهیز از صعود به درختان بدون تجهیزات و شرایط ایمن، ضروری است.»



نقش هرمزگان در تأمین امنیت غذایی ایران

دامپزشکی هرمزگان در یک سال گذشته با اجرای برنامه‌های گسترده پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، نظارت بر زنجیره تولید و عرضه فرآورده‌های خام دامی و پایش صادرات و ترانزیت، نقش مهمی در صیانت از سلامت جامعه، حمایت از تولید و توسعه تجارت استان ایفا کرده است. مدیرکل دامپزشکی هرمزگان در نشست خبری به مناسبت روز دامپزشکی با تأکید بر اینکه دامپزشکی تنها به درمان و مراقبت از دام محدود نمی‌شود، گفت: «دامپزشکی از مرحله تولید تا عرضه فرآورده‌های خام دامی، سلامت جامعه، امنیت غذایی، حفظ سرمایه‌های دامی و حتی تجارت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.» مصطفی فخرآبادی با اشاره به موقعیت ویژه هرمزگان و برخورداری این استان از ظرفیت‌های گسترده دریایی و بندری افزود: «بخش قابل توجهی از فعالیت‌های دامپزشکی استان به کنترل و پیشگیری از بیماری‌های دامی و آبریزان، نظارت بر فرآورده‌های خام دامی، قرنطینه، صادرات و ترانزیت کالا اختصاص دارد و این مجموعه یکی از حلقه‌های اصلی صیانت از سلامت و تولید به شمار می‌رود.» وی با بیان اینکه طی یک سال گذشته بیش از ۳ میلیون و ۲۷۸ هزار نوبت واکسناسیون دام در استان انجام شده، به پایش مستمر بیماری‌هایی از جمله تب برقی، بروسلاز، آبله و لمبی اسکین اشاره کرد و گفت: «نمونه‌برداری و آزمایش‌های دوره‌ای در دامداری‌ها انجام می‌شود و در شرایطی که تب برقی در سال گذشته خسارت‌هایی به صنعت دام کشور وارد کرد، با اجرای اقدامات پیشگیرانه و واکنشی سریع، این بیماری در هرمزگان کنترل شد.»

مدیرکل دامپزشکی هرمزگان با بیان اینکه نظارت‌های بهداشتی از مرحله تولید آغاز می‌شود، اظهار کرد: «کارشناسان دامپزشکی در مراکز پرورش دام و طیور، کشتارگاه‌ها، مراکز بسته‌بندی، واحدهای فرآوری و انجماد،

پایداری تولید گوشت سفید در بندرعباس

انصاری ادامه داد: «گوشت مرغ از اقلام مهم سبد مصرفی خانوار محسوب می‌شود و پایداری تولید در واحدهای مرغداری می‌تواند به تأمین منظم‌ترین محصول در بازار کمک کند.» مدیر جهاد کشاورزی بندرعباس، رعایت اصول بهداشتی و امنیت زیستی را از الزامات اصلی پرورش مرغ گوشتی دانست. وی، تأمین به‌موقع نهاده‌های مورد نیاز مرغداری‌ها را یکی دیگر از عوامل مهم در تداوم تولید عنوان کرد و گفت: «دسترسی مناسب واحدهای تولیدی به نهاده‌ها در کنار مدیریت صحیح دوره پرورش، از الزامات تحقق ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در بخش مرغ گوشتی است.» وی تصریح کرد: «۱۸ واحد مرغداری فعال در این دوره، تنها بخشی از ظرفیت تولید مرغ گوشتی شهرستان بندرعباس را تشکیل می‌دهند و تداوم فعالیت آنها می‌تواند در تقویت تولید و تأمین گوشت مرغ مورد نیاز بازار منطقه مؤثر باشد.»

با توجه به روند فعلی جوجه‌ریزی و پیش‌بینی تولید ۴۰۰ تا ۴۴۰ تن گوشت مرغ در شهرستان بندرعباس، از شهریورماه، به نظری رسد شهرستان بندرعباس در مسیر تثبیت تولید و تأمین پایدار این محصول راهبردی گام برمی‌دارد؛ مسیری که تحقق کامل آن، نیازمند تداوم نظارت‌های بهداشتی، تأمین به‌موقع نهاده‌ها و مدیریت اصولی دوره پرورش است.



ایران اتالین-بندرعباس- در حالی که تأمین امنیت غذایی و پایداری تولید گوشت مرغ به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و خانوارها تبدیل شده است، ۱۸ واحد مرغداری فعال در شهرستان بندرعباس با جوجه‌ریزی ۲۸۶ هزار و ۹۶۰ قطعه جوجه گوشتی در شهریورماه امسال، خود را برای تولید ۴۰۰ تا ۴۴۰ تن گوشت مرغ آماده می‌کنند؛ تولیدی که می‌تواند بخش قابل توجهی از نیاز بازار این شهرستان و مناطق پیرامونی را تأمین کند و گامی مؤثر در جهت تقویت خودکفایی منطقه‌ای باشد. سلمان انصاری، مدیر جهاد کشاورزی بندرعباس با اعلام این خبر اظهار کرد: «این میزان جوجه‌ریزی بیشتر در واحدهای مستقر در منطقه مرکزی و بخش ایسین انجام شده و بخشی از ظرفیت تولید مرغ گوشتی شهرستان را به خود اختصاص داده است.» وی افزود: «براساس برآوردهای انجام شده، از مجموع جوجه‌ریزی‌ها، حدود ۲۶۷ تا ۲۷۲ هزار قطعه مرغ به مرحله کشتار می‌رسند و میزان گوشت مرغ استحصالی از این دوره نیز بین ۴۰۰ تا ۴۴۰ تن پیش‌بینی می‌شود.» وی با اشاره به اهمیت تولید مرغ گوشتی در تأمین نیاز مصرفی مردم گفت: «این میزان تولید می‌تواند بخشی از نیاز شهرستان بندرعباس و مناطق اطراف به گوشت مرغ را تأمین کند و استمرار فعالیت واحدهای تولیدی، نقش مهمی در تداوم عرضه این محصول به بازار دارد.»

بهداشتی قرار گرفت تا از ورود عوامل بیماری‌زا به مزارع جلوگیری شود.» مدیرکل دامپزشکی هرمزگان آزمایشگاه دامپزشکی استان را یکی از ظرفیت‌های مهم این مجموعه دانست و افزود: «طی یک سال گذشته حدود ۶۳ هزار مورد پایش آزمایشگاهی در بخش‌های مختلف از جمله تشخیص بیماری، سرولوژی، کنترل کیفیت فرآورده‌های خام دامی، آنالیز شیمیایی و کشت میکروبی انجام شده است.»

وی همچنین در نظارت بر واردات حدود ۸۰ هزار تن نهاده و فرآورده دارویی، انجام یک‌هزار و ۱۷۱ مورد بازدید در داروخانه‌های دامپزشکی و نظارت بر روند درمان و معالجه حدود ۳۴ هزار مورد بیماری خبر داد. فخرآبادی در ادامه از بهره‌برداری سامانه نوین قرنطینه خبر داد و گفت: «راه‌اندازی این سامانه موجب تسریع فرآیندها، دسترسی سریع‌تر به اطلاعات و استفاده از امضای الکترونیکی شده و بسیاری از گواهی‌ها و مجوزها به‌صورت برخط صادر می‌شود که این موضوع تسهیل قابل توجهی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایجاد کرده است.»

فخرآبادی در بخش دیگری از سخنان خود، کمبود نیروی انسانی و فرسودگی و کمبود ناوگان خودرویی را دو چالش جدی این مجموعه عنوان کرد و افزود: «دامپزشکی استان در حال حاضر با حدود ۵۰ درصد ظرفیت نیروی انسانی فعالیت می‌کند و برای جبران این کمبود، نیازمند تصمیم و اقدام سریع است.»

وی همچنین بر ضرورت به‌روزرسانی تجهیزات آزمایشگاهی استان تأکید کرد و گفت: «هرمزگان از نیروهای متخصص و توانمند در حوزه آزمایشگاهی برخوردار است، اما برای حفظ جایگاه استان در تشخیص و کنترل بیماری‌ها و پشتیبانی از صادرات، تجهیزات آزمایشگاهی نیز باید متناسب با این ظرفیت‌ها به‌روز شود.»

وَعَدَه

افزایش سهم زنان از مدال های ایران در رقابت های قاره ای و جهانی از حدود ۲۵ درصد به حداقل ۵۰ درصد.

برنامه

تسهیل شرایط فعالیت و حضور بانوان در ورزش قهرمانی؛ افزایش سهم دختران در کاروان های اعزامی؛ توجه ویژه به ورزش بانوان؛ توزیع عادلانه امکانات ورزشی بر اساس آمایش سرزمینی؛ توسعه زیرساخت ها و تکمیل پروژه های ورزشی با هدف افزایش دسترسی مردم به امکانات.

موعد وفا

برای تحقق هدف افزایش سهم زنان از مدال های بین المللی به ۵۰ درصد، موعد مشخصی اعلام نشده است؛ اما در دو سال ابتدایی دولت چهاردهم، میانگین سهم زنان ورزشکار ایران از مدال های بین المللی به عدد ۳۱٫۴ درصد رسیده است.

«ایران» به بهانه مدال آوری زنان ورزشکار ایران در «ناگویا» بررسی می کند

ورزشی بانوان؛ از وعده حمایت دولت تا تاریخ سازی در میدان رقابت

گزارش

مهری زنجیر

گروه ورزش

تاریخ ورزش زنان ایران، روایت عبور از محدودیت ها و تبدیل فرصت های محدود به افتخاراتی است که امروز سهمی تعیین کننده در کارنامه ورزش کشور دارند. از اولین حضور سه تیرانداز زن ایرانی در بازی های آسیایی ۱۹۹۰ یکن تا مدال آوری در رشته های متنوع و ورود دختران ورزشکار به عرصه هایی که پیش تر کمتر در دسترس آنان بود، یک واقعیت بیش از گذشته خود را نشان داده است؛ استعداد زنان ایرانی، در صورت برخورداری از فرصت رقابت، امکانات مناسب و حمایت مستمر، می تواند به سرمایه ای ارزشمند برای ورزش ملی تبدیل شود. اکنون این ظرفیت در شرایطی به مرحله تازه ای از بلوغ رسیده است که دولت چهاردهم و وزارت ورزش و جوانان، توسعه ورزش بانوان و افزایش سهم زنان در افتخارات بین المللی را در رمبر اولویت های خود قرار داده اند.

مسعود پزشکیان در رویکرد اعلامی دولت خود بر ضرورت استفاده از ظرفیت های زنان در عرصه های مختلف تأکید داشته است؛ رویکردی که در حوزه ورزش می تواند به معنای عبور از حمایت های مقطعی و مسعود پزشکیان در رویکرد اعلامی دولت خود بر ضرورت استفاده از ظرفیت های زنان در عرصه های مختلف تأکید داشته است؛ رویکردی که در حوزه ورزش می تواند به معنای عبور از حمایت های مقطعی و توانمندسازی دختران ایرانی باشد. در همین چارچوب، احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، با اشاره به دستاوردهای ورزشکاران زن و ضرورت تقویت جایگاه آنان در رقابت های بین المللی، هدف گذاری روشنی را مطرح کرده است. او در گفت وگویی با معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، از تکمیل حدود ۳۲۰ پروژه ورزشی، اجرای آمایش سرزمینی برای توزیع عادلانه امکانات، بازسازی بخش قابل توجهی از اماکن ورزشی آسیب دیده در جنگ، توسعه ورزش در مناطق روستایی و کم برخوردار، توجه ویژه به ورزش بانوان و افزایش سهم زنان در کاروان های ورزشی کشور خبر داد و با بیان اینکه حدود یک چهارم مدال های ایران در سطح قاره ای و جهانی به زنان اختصاص دارد، تأکید کرده است: «هدف این است که روزی این سهم مدال آوری در مسابقات بین المللی حداقل به ۵۰ درصد برسد.»

این هدف گذاری، فراتر از یک اظهار نظر آماری، بیانگر ظرفیتی است که تحقق آن به برنامه ریزی بلندمدت، تأمین منابع مالی، توسعه زیرساخت های اختصاصی، برگزاری اردوهای منظم، حمایت از مربیان و فراهم کردن فرصت حضور مستمر زنان در رقابت های معتبر نیاز دارد. گزارش ارائه شده از سوی وزیر ورزش به هیأت دولت در آبان ۱۴۰۴ نیاز کسب ۸۶۸ مدال در همه رده های سنی توسط دختران ورزشکار ایران در دوره فعالیت دولت چهاردهم حکایت داشت که ۳۴۰ مدال آن طلا بود؛ آماري که ابعاد ظرفیت مدال آوری زنان را نشان می دهد.

بررسی کارنامه زنان ایران در ادوار بازی های آسیایی، از همین منظر اهمیت پیدا

می کند؛ روایتی از مسیری که با حضور محدود آغاز شد، با اولین مدال ها جان گرفت و امروز به افتخار آفرینی در رشته های گوناگون رسیده است. اکنون مسأله اصلی، حفظ این روند و تبدیل موفقیت های ورزشی به جریان پایدار است؛ مسیری که در آن، وعده حمایت از ورزش بانوان باید در تخصیص منابع، توسعه امکانات و فراهم کردن فرصت های برابر برای نسل های آینده دختران ورزشکار نمود پیدا کند.

نخستین کام ها؛ از یکن تا هیروشیما

حضور زنان ایران در بازی های آسیایی، پس از سال ها غیبت، سرانجام در بازی های آسیایی ۱۹۹۰ یکن محقق شد. فرنگیس امیری، لیلا واتقی اصل و کبری الله کرم، سه تیرانداز زن ایرانی بودند که به عنوان اولین نمایندگان زن ورزش ایران در این رقابت ها حضور یافتند. حضور آنان با پوشش اسلami در مراسم افتتاحیه، بازتاب گسترده ای در رسانه ها داشت و به یکی از تصاویر ماندگار آن دوره تبدیل شد.

اگرچه اولین حضور زنان ایران با کسب مدال همراه نبود، اما اهمیت این اتفاق را نباید تنها با نتیجه ورزشی مورد ارزیابی قرار داد. حضور سه تیرانداز زن در بزرگ ترین میدان ورزشی قاره، گامی مهم در مسیر تثبیت مشارکت زنان ایرانی در رقابت های بین المللی بود. این حضور نشان داد که دختران ورزشکار ایران می توانند در کنار مردان، نماینده کشور خود باشند و برای کسب افتخار در میدانی بین المللی تلاش کنند.

چهار سال بعد، در بازی های آسیایی ۱۹۹۴ هیروشیما، حضور زنان ایران در رشته تیراندازی ادامه یافت. از مجموع ۱۶۲ ورزشکار کاروان ایران، پنج زن در رشته تفنگ به رقابت پرداختند. لیلا فریمان، الهام هاشمی و زهرا محروقی در کنار لیلا واتقی پور و کبری الله کرم، ترکیب تیم تیراندازی زنان ایران را تشکیل دادند. تیراندازان ایرانی در بخش انفرادی تفنگ ۱۰ متری ۵۰ متر درازکش موفق به کسب مدال نشدند، اما تیم ایران در بخش تیمی تفنگ ۵۰ متر درازکش به مقام ششم و در بخش تیمی ۱۰ متر به مقام هفتم رسید. این نتایج، هرچند به کسب مدال منتهی نشد، تجربه ای ارزشمند برای ورزشکارانی بود که



ساهر مرادی تواندوکار ایرانی که در مسابقات ناگویا موفق به کسب کردن مدال طلا شد

در آغاز مسیر حضور مستمر زنان ایران در بازی های آسیایی قرار داشتند.

بوسان؛ طلسم مدال آوری زنان شکسته شد

نقطه عطف بعدی در بازی های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان رقم خورد؛ جایی که نسیم حسن پور با کسب مدال نقره تیراندازی ۱۰ متر، اولین مدال زنان ایران در تاریخ حضور در بازی های آسیایی را به دست آورد. این موفقیت حاصل تداوم حضور زنان در رقابت های قاره ای بود و نشان داد که تجربه اندوزی در دوره های پیشین می تواند زمینه ساز دستیابی به نتایج بهتر شود. چهار سال بعد، در بازی های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه، دامنه موفقیت های زنان ایران افزایش قابل توجهی داشت. مهروز ساعی در تگواندو و افسانه شیخی و اتوسا پورکاشیان در شطرنج تیمی، سه مدال برنز برای ایران به ارمغان آوردند. افزایش سهم زنان از مدال های کاروان ایران، نشانه ای از گسترش تدریجی حضور آنان در رشته های مختلف و افزایش ظرفیت رقابت پذیری ورزش زنان بود.

این روند، واقعیتی مهم را برای افکار عمومی آشکار کرد که حضور زنان در بازی های آسیایی می تواند فصل جدیدی از موفقیت های زنان ایرانی را در عرصه ورزش رقم بزند.

گوآنزو؛ آغاز دوران مدال آوری

بازی های آسیایی ۲۰۱۰ گوآنزو را می توان یکی از دوره های مهم در تاریخ ورزش زنان ایران دانست. در این رقابت ها، ۸۶ زن از مجموع ۳۲۰ ورزشکار کاروان ایران حضور داشتند؛ حضوری که از نظر تعداد و دستاوردهای ورزشی، گامی روبه جلو محسوب می شد.

زنان ایران در گوآنزو ۱۴ مدال به دست آوردند؛ آماري که نشان دهنده افزایش ظرفیت مدال آوری آنان در سطح قاره بود. خدیجه آزادپور، ووشوکار ملی پوش ایران، با کسب مدال طلا به یکی از مهم ترین چهره های این دوره تبدیل شد. الهه احمدی در تیراندازی تفنگ ۱۰ متر بادی و راحله آسمانی و پریسا فرشیدی در تگواندو نیز مدال های نقره ایران را به دست آوردند. در بخش مدال های برنز نیز تیم ملی کبدي

جمله چالش هایی هستند که می توانند عبور از این موانع نیازمند نگاهی حرفه ای به ورزش زنان و پرهیز از ارزیابی عملکرد آنان بر اساس نتایج کوتاه مدت است.

فرصتی برای تثبیت دستاوردها

در شرایطی که ورزش زنان ایران توانایی خود را در رقابت های بین المللی نشان داده است، حمایت دولت چهاردهم و وزارت ورزش و جوانان می تواند زمینه ساز مرحله تازه ای از پیشرفت باشد. آنچه امروز اهمیت دارد، تبدیل موفقیت های پراکنده به برنامه ای منسجم برای توسعه ورزش زنان است؛ برنامه ای که از شناسایی استعدادها آغاز شود و تا حضور در رقابت های جهانی و آسیایی ادامه پیدا کند.

نخستین گام در این مسیر، اختصاص منابع متناسب با نیازهای ورزش زنان است. تیم های ملی زنان برای حضور موفق در بازی های آسیایی به اردوهای منظم، تجهیزات استاندارد، مربیان متخصص، خدمات پزشکی و آمادگی جسمانی و سمانه شش پری و سوسن حاجی پور در تگواندو و الهه منصوریان در ووشو برای برنامه ای روشن و متناسب با ظرفیت هر رشته انجام شود.

این عملکرد، فراتر از یک موفقیت آماری در حوزه مدال آوری در یک رویداد بین المللی بود. گوآنزو نشان داد که سرمایه گذاری در ورزش زنان می تواند در مدت زمانی معقول به نتایج ملموس منجر شود؛ بویژه در رشته هایی که استعدادهای مستعد، مربیان توانمند و برنامه آماده سازی منسجم در کنار یکدیگر قرار می گیرند. از این دوره به بعد، زنان به یکی از بخش های جدایی ناپذیر کاروان ورزشی ایران تبدیل شدند. حضور آنان دیگر تنها به معنای مشارکت در رقابت ها نبود، بلکه نتایجشان در ارزیابی عملکرد کلی کاروان و جایگاه ایران در جدول مدال ها اهمیت بیشتری پیدا کرد.

از حضور نمادین

تا نقش تعیین کننده در کاروان ایران

تحول ورزش زنان ایران را باید در تغییر نگاه به توانمندی های دختران ورزشکار نیز جست و جو کرد. در سال های اول، حضور آنان بیش از هر چیز اهمیتی نمادین و سمبلیک داشت؛ اما به تدریج، کسب مدال و موفقیت های چشمگیر آنها، رقابت با قدرت های آسیایی و تأثیر گذاری بر جایگاه نهایی کاروان به اهدافی جدی تبدیل شدند.

در برخی دوره ها، عملکرد زنان توانست بخشی از افت نتایج سایر بخش های کاروان در حوزه مردان را به شکلی معنادار جبران کند. این موضوع نشان داد که توسعه ورزش زنان نه اقدامی پیرامونی، بلکه بخشی از راهبرد موفقیت ورزش ملی است. هرچه تعداد رشته های فعال، ورزشکاران آماده و تیم های برخورداری از پشتیبانی مناسب افزایش یابد، ظرفیت ایران برای رقابت در سطح آسیا نیز بیشتر خواهد شد.

دستیابی به این جایگاه بدون دشواری و تحمل سختی ها و مشقت ها نبوده است. محدودیت امکانات تخصصی، هزینه های آماده سازی، ضرورت حضور در مسابقات تدارکاتی و نیاز به برنامه ریزی بلندمدت، از

رقابت های زنان ایران

توانایی خود را در

رقابت های بین المللی

نشان داده است،

حمایت دولت

چهاردهم و

وزارت ورزش

و جوانان

می تواند

زمینه ساز

مرحله تازه ای

از پیشرفت

باشد. توسعه

ورزش زنان،

علاوه بر

دستاوردهای

اجتماعی

و فرهنگی،

اقدامی مهم و

اثراگذار برای

ایجاد نشاط

اجتماعی

در جامعه

و زنان به شمار

می رود

و برنامه آماده سازی مناسب برخوردار باشند، امکان تبدیل توانایی فردی به نتیجه حرفه ای افزایش می یابد. در رشته هایی که فاصله عملکرد ورزشکاران به جزئیات فنی، تجربه رقابتی و آمادگی روانی وابسته است، حتی بهبودهای هدفمند در برنامه تمرینی می تواند بر نتیجه نهایی تأثیر بگذارد.

براین اساس، سرمایه گذاری در ورزش زنان را باید اقدامی برای افزایش ظرفیت مدال آوری ایران دانست. البته میزان بازدهی این سرمایه گذاری در رشته های مختلف یکسان نیست و موفقیت پایدار به شناخت ظرفیت ها، برنامه ریزی تخصصی و استمرار حمایت بستگی دارد. مقایسه عملکرد کشورها نیز باید با توجه به تفاوت امکانات، ساختارهای ورزشی و شرایط رقابتی انجام شود، نه صرفاً بر اساس تعداد مدال ها.

ایران در غرب آسیا از ظرفیت قابل توجهی در ورزش زنان برخوردار است و موفقیت های به دست آمده می تواند مبنایی برای تقویت این جایگاه باشد. حفظ و ارتقای این موقعیت، بویژه در شرایطی که برخی کشورها منابع مالی گسترده ای به ورزش اختصاص می دهند و از ورزشکاران جذب شده از کشورهای دیگر نیز بهره

می گیرند، مستلزم تکیه بر استعدادهای داخلی، برنامه ریزی علمی و پشتیبانی مستمر است.

از مدال های امروز تا افتخار آفرینی فردا

تاریخ حضور زنان ایران در بازی های آسیایی، روایتی از حرکت تدریجی به سوی موفقیت است؛ از سه تیرانداز حاضر در یکن ۱۹۹۰ که بدون مدال به خانه بازگشتند تا نسل هایی که در دوره های بعدی توانستند روی سکو بروند و سهم خود را در افتخارات ورزش ایران افزایش دهند. این مسیر نشان می دهد که پیشرفت زنان ورزشکار حاصل اتفاقی ناگهانی نیست، بلکه به فرصت، تجربه، آموزش و حمایت پیوسته وابسته است.

عملکرد زنان ایران در بازی های آسیایی ناگویا ۲۰۲۶ نیز، بر اساس آمار ارائه شده، با کسب سه مدال طلا، شش نقره و پنج برنز و مجموع ۱۴ مدال، بار دیگر ظرفیت آنان را برای تأثیرگذار شدن در رقابت های داخلی، حمایت از باشگاه ها و فراهم کردن زمینه فعالیت مربیان زن می تواند به افزایش تعداد ورزشکاران مستعد و ارتقای کیفیت رقابت ها کمک داشته باشد.

اکنون زمان آن رسیده است که این دستاوردها به مبنایی برای تصمیم گیری های جدی تر تبدیل شوند. زنان ورزشکار ایران بارها نشان داده اند که توانایی رقابت و افتخار آفرینی در سطح آسیا را دارند. آنچه برای آینده اهمیت دارد، فراهم کردن شرایطی است که این توانایی به طور مستمر مجال بروز پیدا کند. اگر حمایت از ورزش زنان هم ردیف با نیازهای واقعی ورزش مردان در برنامه ریزی ها و تخصیص منابع مورد توجه قرار گیرد، می توان انتظار داشت که مدال های امروز مقدمه دستاوردهای بزرگ تر فردا باشند؛ دستاوردهایی که نه تنها جایگاه ایران را در ورزش آسیا تقویت می کنند، بلکه به

تازه ای پیش روی نسل های آینده دختران ورزشکار کشور قرار می دهد.

اولین هادر سرزمین آفتاب

ورزش زنان ایران در بازی های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا دیگر کم تجربه نبود، اما این بار هم شکستی هایی برای همگان داشت. اتفاقاتی که برای اولین بار به نام خود ثبت کرد؛ از اولین حضور دختران بوکسور و کاتای تیمی تا اولین مدال های دوومیدانی و وزنه برداری و روبینگ و حتی اولین برد تنیسورهای دختر ایران در سرزمین آفتاب.

سارینا نقش، اولین بوکسور زن ایرانی بود که مبارزه روی رینگ بازی های آسیایی را تجربه کرد. هرچند او از مرحله یک هشتم نهایی بالاتر نرفت، تلاشش نوید روزهای خوبی را برای بوکس زنان ایران داد. پاریدا خوش خبر هم دومین بوکسور ایرانی بود، اما حذف او در همان دور مقدماتی اجازه نداد حرفه ای خوش بوکس زنان ادامه پیدا کند.

دختران کاراته ایران برای اولین بار در کاتای تیمی روی تاتامی بازی های آسیایی هنرهای نمایشی را تجربه کردند. حاصل نمایش فاطمه صادقی، سیده امینی و زینب حسینی، مدال نقره بود.

درخشش در روبینگ، رشته ای که دختران ایران سابقه مدال آوری در بازی های آسیایی را دارند، این بار به رنگ طلا بود. فاطمه مجلل در تک نفره سنگین وزن و کیمیا زارعی و زینب نوروزی در دوفره، دو مدال طلا برای ایران گرفتند. این دو طلای ارزشمند نشان داد که روبینگ همچنان در مدال آوری بازی ها

پیشاز است. دختران وزنه بردار هم با مدال برنز ریحانه کریمی در دسته ۷۷ کیلوگرم به جمع اولین های تاریخ ورزش ایران اضافه شدند. مهسا بهشتی هم پس از ریحانه، دومین مدال برنز تاریخ وزنه برداری زنان ایران را در دسته ۸۶ کیلوگرم گرفت تا در هموار کردن مسیر تازه افتخار آفرینی وزنه برداری زنان ایران سهم داشته باشد.

دوومیدانی هم از قافله مدال آوران تاریخی ورزش ایران در ناگویا عقب نماند. دوومیدانی ایران پیش از این مدال برنز پرتاب وزنه لیلا رجسی را در کارنامه داشت، اما این بار زهرا زارعی، دختر دهنده کرمانی، افتخار آفرینی شد و با کسب مدال نقره ماده ۴۰۰ متر نام خود را در تاریخ این رشته ثبت کرد. اتفاق مهم دیگر دوومیدانی، حضور تیم ایران در ماده ۴ در ۱۰۰ متر مختلط بود. هرچند تیم ایران به دلیل ناهماهنگی به خط پایان نرسید، حضور این تیم در رقابت ها اتفاق قابل توجهی بود.

ژئمناسطیک زنان هم برای اولین بار پس از انقلاب در بازی های آسیایی نماینده داشت و به ناگویا رفت. هنگامه هادیانی، اولین ژئمناسط زن ایران پس از انقلاب بود که روی صحنه رفت و در ژئمناسطیک هنری به مقام سیزدهم رسید. فاطمه توسلی و یلدا حسن شوکتی هم در ترامپولین مسابقه دادند. توسلی با صعود به فینال در جایگاه پنجم ایستاد، اما شوکتی به دلیل مصدومیت در رده نقره قرار گرفت. مشکلات الزهرا صفی و ماندگار فرامی، دو تنیسور دختر ایرانی بودند که در اولین حضور خود در بازی های آسیایی طعم پیروزی را چشیدند، اما به دور بعدی راه پیدا نکردند.

از سه تیرانداز در یکن تا ۱۴ مدال در ناگویا

مسیر تاریخی زنان ایران در بازی های آسیایی

